

پیش‌بینی عمومیت ازدواج زنان ایران (بر پایه تحلیل الگوهای همسرگزینی)

مجید کوششی^۱، مهدی خلیلی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۶/۲۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۱۵

چکیده

مطالعات موجود که در مورد وضعیت و تغییرات زمان‌بندی و عمومیت ازدواج زنان ایرانی انجام شده است، رویکرد و تحلیلی تک‌جنسی و مبتنی بر فراوانی ازدواج زنان داشته‌اند، این در حالی است که فراوانی ازدواج زنان تابع تقاضای جنس مخالف است و تمایل مردان به ازدواج، تعیین‌کننده تقاضای ازدواج آنان است. این مقاله با اتخاذ چنین رویکردی و با استفاده از داده‌های ماتریس همسرگزینی سنی زوج و زوجه و جدول عمر زناشویی دوجنسی، ابتدا تقاضای ازدواج مردان را با استفاده از جدول عمر زناشویی مردان برآورد کرده و با محاسبه احتمال ازدواج زنان برای هر دامنه سنی، شمار بازماندگان در هر سن درست را با نگاهی نسلی پیش‌بینی می‌کند. یافته‌ها نشان می‌دهد در دو دهه گذشته و متأثر از افزایش سن ازدواج مردان، به تعویق افتادن ازدواج زنان از دهه ۲۰ به دهه ۳۰ عمر، در کل شمار بازماندگان مجرد در سنین ۳۰ سالگی و بالاتر را افزایش و عمومیت ازدواج آنان را کاهش داده است. بر اساس پیش‌بینی نسلی این مقاله، تجرد قطعی (نسبت افراد هرگز ازدواج نکرده تا ۵۰ سالگی) زنان از کمتر از ۵ درصد برای نسلی که در سال ۱۳۹۵ به ۵۰ سالگی رسیده تا بیش از ۲۰ درصد برای نسلی که در سال ۱۴۳۵ به این سن می‌رسد، افزایش خواهد یافت. بر اساس برآوردهای این مقاله، برای نسلی که در سال ۱۳۹۵ به ۱۰ سالگی می‌رسد، چنانچه زنان تنها یک بار ازدواج کنند، حدود یک چهارم و اگر تقاضایی از طرف مردان طلاق‌گرفته داشته باشند، حدود یک-پنجم از آنان تا ۵۰ سالگی، هرگز ازدواج نخواهند کرد.

واژگان کلیدی: ازدواج، تقاضای ازدواج مردان، زمان‌بندی ازدواج، عمومیت ازدواج، جدول عمر دوجنسی.

۱. استادیار گروه جمعیت‌شناسی دانشگاه تهران؛ kooshesh@ut.ac.ir

۲. دانشجوی دکترای جمعیت‌شناسی دانشگاه تهران

مقدمه و بیان مسأله

تغییرات جمعیتی در دهه‌های گذشته ایران گمانه‌زنی‌های زیادی را در مورد رابطه این تغییرات با ازدواج و تشکیل خانواده به همراه داشته است. در مرحله پیش از گذار جمعیتی، که ساختار سنی جوان (هرم سنی مثلث‌گونه) و تفاوت سنی زوجین تا بیش از ۷ سال بود، سطح بالای مرگ‌ومیر مادران و بنابراین بیوگی شایع برای مردان عدم توازن جنسی در عرضه و تقاضا و تنگنای ازدواج^۱ زنان را جبران می‌کرد. به عبارت دیگر، رایج‌تر بودن ازدواج مجدد و بیوگی در میان مردان از طریق ایجاد تقاضا برای ازدواج دخترانی که به دلیل تنگنای ناشی از اثر ساختار سنی ازدواج نکرده بودند، فراوانی نهایی^۲ ازدواج زنان را به بیشینه آن (۱۰۰ درصد) نزدیک می‌کرد. اگرچه هیچ سند آماری و علمی موثق و قابل اتکایی در این مورد وجود ندارد، اما با توجه به نرخ پایین طلاق و احتمالاً تمایل پایین زنان بیوه به ازدواج مجدد، می‌توان استنباط کرد که در تقاضای ازدواج مردان بیوه، شانس ازدواج دختران هرگز ازدواج نکرده بیشتر و احتمالاً یکی از مهمترین دلایل عمومیت بالای ازدواج زنان در این دوره بوده است.

کاهش سریعی که در سطح مرگ‌ومیر به واسطه گذار اپیدمیولوژیک و در جریان مرحله دوم گذار جمعیتی رخ داد، رفته رفته عدم توازن در عرضه و تقاضای ازدواج را آشکارتر و بزرگتر کرد و با کاهش چشمگیر در مرگ‌ومیر مادران و افزایش بیشتر در شانس زنده‌ماندن زنان برجسته‌تر شد. در مسیر این تغییرات، چنانچه فاصله سنی زوجین کاهش نمی‌یافت، احتمالاً این عدم توازن بزرگتر می‌شد. روند رو به کاهش تفاوت سنی زوجین تا آغازین سالهای پس از انقلاب و طی چهار دهه گذشته با یک تغییر بزرگ دیگر، یعنی کاهش چشمگیر در سطح باروری، همراه شد. با این‌که حدود ۲۰ تا ۳۰ سال زمان می‌برد تا اثر کاهش سطح باروری (از میانه دهه ۱۳۶۰) از طریق ساختار سنی بر عرضه و تقاضای ازدواج آشکار شود، اما آثار آن تدریجاً از آغاز دهه ۱۳۸۰ و با ورود نسل‌های نسبتاً کم‌شمار متولدین نیمه دوم دهه ۱۳۶۰ به سنین ازدواج قابل مشاهده است. هر دو این تغییرات موجب ملایم‌تر شدن اثر تغییرات جمعیتی بر بازار ازدواج شد.

1. marriage squeeze

2. quantum

این شرایط زمینه‌های جمعیتی ازدواج و شکل‌گیری خانواده را شرح می‌دهد و تنها زمانی می‌توان از اهمیت تعیین‌کننده آن بحث کرد، که جامعه ثبات اجتماعی دائمی داشته و تجربه همسرگزینی و ازدواج برای همه نسل‌ها بدون تغییر باشد. جوامعی با این شرایط بسیار نادرند. بنابراین بخش مهمی از عدم توازن جنسی در عرضه و تقاضای ازدواج که در برخی از پژوهش‌ها (برای نمونه جعفری مژده‌ی، ۱۳۸۲؛ احمدی و همتی، ۱۳۸۷؛ ترابی و همکاران، ۱۳۹۳) دستمایه اثبات پدیده‌ای به نام "تنگنا یا مضیقه ازدواج" شده است، حاصل نادیده‌گرفتن این بخش از عوامل مهم مؤثر بر رفتار ازدواج مردان و زنان است که می‌تواند عامل مهمی در نواسانات ازدواج، بخصوص ازدواج بار اول باشد. به طوری که عدم توازن در شمار جمعیت مردان و زنان، بسته به شرایط بازار ازدواج به‌ویژه همسرگزینی سنی و تفاوت میانگین سن ازدواج دو جنس، می‌تواند تعداد همسران بالقوه برای یک جنس را کاهش یا افزایش دهد. اگر پدیده تنگنای ازدواج را نتیجه دو عامل، یکی عوامل جمعیتی فراهم‌کننده ازدواج و دوم عوامل اجتماعی تعیین‌کننده شیوه‌های همسرگزینی، خصوصاً همسرگزینی سنی، تعریف کنیم، خواهیم توانست به‌طور دقیق‌تری اثر این پدیده بر زمان‌بندی^۱ (تأخیر و تأجیل) و خصوصاً عمومیت^۲ ازدواج را مشخص کنیم. این در حالی است که عمده تحقیقات انجام شده این پدیده را صرفاً با مقایسه جمعیت مرد و زن در سن ازدواج و یا تعداد مرد و زن هرگز ازدواج نکرده (آنچه می‌توان فراهمی ازدواج تعریف کرد) سنجیده‌اند (ربانی و همکاران، ۱۳۸۹؛ احمدی و همتی، ۱۳۸۷؛ جعفری مژده‌ی، ۱۳۸۲؛ ترابی و همکاران، ۱۳۹۳). چنین برخوردی با پدیده‌های مرتبط با نهاد عمیقاً اجتماعی ازدواج ساده‌انگارانه است.

علاوه بر آنچه گفته شد، بیشتر مطالعاتی که هدف خود را تحلیل پدیده تنگنای ازدواج و یا اثر آن بر زمان‌بندی و عمومیت ازدواج ذکر کرده‌اند، جز همان توصیف‌های اولیه در مورد این پدیده (فرهادی و امیرخسروی، ۱۳۷۲؛ جعفری مژده‌ی، ۱۳۸۲) و کاربست روش‌های ساده سنجش و تحلیل در نخستین کارهای انجام شده (درودی، ۱۳۸۱)، تغییری مؤثر در رویکرد و روش خود و بسط و توسعه گمان‌هایی که تنگنای ازدواج را از ابعاد مختلف تبیین کند، ارائه نداده‌اند. در نتیجه بدون هرگونه پیشرفتی در پیش‌فرض‌ها و بدون تلاشی جدی برای گام

1. timing
2. universality

برداشتن در مسیر توسعه نظری و تبیینی پژوهش‌های منتشرشده در این حوزه در سه دهه، یافته-ای کم‌وبیش مشابه را به جامعه علمی تحویل داده‌اند: تنگنای ازدواج برای دختران به دلیل نافراهمی ازدواج یا نابرابر بودن جمعیت یا تعداد هرگز ازدواج‌نکرده‌های دو جنس. در میان پژوهش‌هایی که در این زمینه انجام شده است، تنها در یک پژوهش به اهمیت الگوهای همسرگزینی سنی اشاره شده، ولی تلاشی برای بررسی اثر آن بر تنگنای ازدواج صورت نگرفته است (درودی، ۱۳۸۱). این نقص ممکن است اساساً قابل انتساب به عدم دسترسی به داده‌های همسرگزینی سنی و جدول فراوانی ازدواج بار اول باشد.

در برخی مطالعات، عدم توازن جنسی در شمار افراد مایل به ازدواج یا تنگنای ازدواج زنان، در دهه‌های ۱۳۷۰ به بعد مورد تردید قرار گرفته و انتساب همه این عدم توازن به ویژگی‌ها و تغییرات جمعیتی ناروا شمرده شده است (کمالی، ۱۳۸۶؛ کوششی و کمالی، ۱۳۸۳). به طوری که فاصله سنی زوجین و ترجیحات همسرگزینی که همزمان با گذار جمعیتی و عمدتاً به دلیل سایر عوامل و تغییرات اجتماعی - اقتصادی شکل می‌گیرند، به مراتب مهمتر و مؤثرتر و آثار آن در تغییر شانس ازدواج مردان و زنان بیشتر و پایدارتر تشخیص داده شده است. مطالعه ترجیحات سنی ازدواج در ایران حاکی از آن است که مردان همواره به ازدواج با زنانی تمایل دارند که از آنها جوانتر باشند (ساروخانی، ۱۹۸۱). این نوع ترجیح سنی در طول سالیان سال باعث شکل-گیری الگوی خاصی از همسرگزینی شده است. علاوه بر این، تجربه بسیاری از کشورهای دیگر نیز نشان می‌دهد که سن زنان در هنگام ازدواج عموماً کمتر از سن مردان است و هرچه سن مردان افزایش یابد تمایل و بنابراین احتمال ازدواج آنان با زنان همسن و مسن‌تر کاهش می‌یابد (محمودیان، ۱۳۸۳؛ بازن، ۱۹۹۱؛ کوششی و قربانی، ۱۳۹۱).

تبعیت سن ازدواج زنان از سن ازدواج مردان می‌تواند زمان‌بندی ازدواج را به طور کلی و به‌خصوص برای زنان تغییر دهد و ترجیحات و الگوهای همسرگزینی متفاوتی را رقم بزند. تغییرات در الگوی سنی ازدواج مردان بیش از هرچیز باعث تغییر در ریسک ازدواج زنان می‌شود (لمپارد، ۲۰۱۳). به عبارت روشنتر، ترجیحات همسرگزینی سنی می‌تواند به طور عام بر بازار ازدواج و به طور خاص بر ازدواج زنان تاثیرگذار باشد. از آنجا که زمان‌بندی ازدواج زنان تابعی از زمان‌بندی ازدواج مردان است، تغییر در سن و الگوهای همسرگزینی مردان تا حد

زیادی قادر به تبیین تغییرات زمان‌بندی و در بلندمدت عمومیت و فراگیری ازدواج زنان است. تحقیقات مختلف در این زمینه حاکی از آن است که همراه با زمان‌بندی ازدواج، الگوهای همسرگزینی در مردان و زنان تغییر کرده است (برای نمونه، هاشمی و همکاران، ۱۳۹۳؛ کوششی و قربانی، ۱۳۹۱). هاشمی و همکاران (۱۳۹۳) نشان داده‌اند که از نظر پایگاه اجتماعی زوجین، الگوهای همسان همسری متداول‌تر شده است. از نظر زمان‌بندی ازدواج، افزایش میانگین سن ازدواج زنان از حدود ۱۷ سال تا دهه ۱۳۴۰ به حدود ۲۳ سال در دهه ۱۳۸۰ موجب شده که تفاوت سنی زوجین مستمراً رو به کاهش باشد. اگرچه از کاهش متوسط اختلاف سنی زوجین نمی‌توان نتیجه گرفت که الگوی همسن‌همسری رایج‌تر شده، اما کوششی و قربانی (۱۳۹۱) با استفاده از داده‌های آمارگیری اقتصادی-اجتماعی خانوار در سال ۱۳۸۰، گزارش کرده‌اند که همسرگزینی سنی نیز تغییر کرده است. بر اساس پژوهش آنان، جوان همسری در میان مردان با ۶۷ درصد، به‌طور قابل‌توجهی، رایج‌تر از همسن‌همسری و مسن‌همسری است (کوششی و قربانی، ۱۳۹۱). تلفیق نتایج این دو پژوهش این گمان را قوت می‌بخشد که با وجود تمایل بیشتری که به همسان‌همسری مبتنی بر پایگاه اجتماعی به وجود آمده، اما مردان همچنان به ازدواج با دخترانی جوانتر از خود متمایل هستند.

تغییرات الگوهای همسرگزینی سنی و به‌طور کلی تغییرات بازار ازدواج، فراوان در تحقیقات گذشته مورد اشاره قرار گرفته است و از این جهت مساله پژوهشی جدیدی به شمار نمی‌رود. با وجود این، نقش این الگوها به‌ویژه در طرف تقاضای مردان برای ازدواج با زنان به‌عنوان یکی از عناصر مهم در بازار ازدواج، و آنگونه که در برخی پژوهش‌ها به‌عنوان یکی از عوامل مهم تعیین‌کننده زمان‌بندی و عمومیت ازدواج زنان مورد تأکید قرار گرفته، موضوع مهمی است که در هیچ‌یک از پژوهش‌ها مورد مطالعه تجربی قرار نگرفته است. یکی از مهمترین تغییرات قابل بحث در شیوه‌های همسرگزینی که خواه‌ناخواه آثار مثبت و منفی آن در بازار ازدواج انعکاس داشته و خواهد داشت، روابط دوستی پیش از ازدواج است. متداول‌شدن این شیوه‌های همسرگزینی از یک‌سو ممکن است زمینه‌آشنایی بیشتر دو جنس و موجب تعجیل در ازدواج آنان شود و از سوی دیگر در اشکال پیشرفته‌تر اثر منفی بر ازدواج هر دو خصوصاً پسران داشته باشد. فراهانی خلیج آبادی و همکاران (۱۳۹۲) به این نتیجه رسیده‌اند که معاشرت پیشرفته

پیش از ازدواج به طور متوسط موجب ۲ سال تأخیر در ازدواج می‌شود. بر اساس نتایج پژوهشی آنان، معاشرت دوستی و پیشرفته پیش از ازدواج تمایل پسران به ازدواج را کاهش می‌دهد، حال آنکه تمایل به ازدواج در دختران را افزایش می‌دهد، گرچه ممکن است به این خاطر باشد که دخترانی که تمایل بیشتری به ازدواج دارند، بیشتر احتمال دارد که وارد چنین مناسباتی شوند. کاهش تقاضای ازدواج از سوی پسران از این طریق، می‌تواند بخشی از ظرفیت ازدواج برای دختران را از بازار خارج کند.

اثر کاهش تقاضای پسران بر زمان‌بندی و عمومیت ازدواج دختران، ممکن است مسیرهای علی دیگری در بازار ازدواج را ایجاد کند. برای نمونه نقدی و بلالی (۱۳۸۹) از مهاجرت پسران روستایی بخش‌هایی از استان همدان برای تحصیل به‌عنوان یکی از عوامل مؤثر بر نامتوازن شدن بازار ازدواج در این نواحی بحث کرده‌اند. تمایل پسران روستایی به تحصیل و مهاجرت آنان به شهرها می‌تواند سازوکار دیگری از اثر تغییرات اجتماعی و همسرگزینی بر بازار ازدواج و در نتیجه فرصت‌های ازدست‌رفته ازدواج دختران را تبیین کند. پژوهشی که به جزئیات جالب دیگری توجه کرده، نابرابری دستمزد مردان را نیز به‌عنوان یکی از عوامل پشتیبان در برهم خوردن توازن در عرضه و تقاضای ازدواج عنوان کرده است. به بیانی روشنتر، نابرابری دستمزد موجب شده است که زنان سطح دستمزد مورد انتظار از همسر آینده‌شان را افزایش دهند و مدت زمان بیشتری را برای یافتن همسر مناسب جستجو کنند. نتیجه مشخص در این پژوهش این است که نابرابری دستمزد مردان از این طریق موجب تأخیر در ازدواج زنان سنین ۲۰ تا ۳۰ سال می‌شود (کشاوری حداد و قدسی قاراب، ۱۳۹۳).

مرور تحقیقات در مورد زمان‌بندی و عمومیت ازدواج زنان ایرانی، نشان می‌دهد در ارزیابی و سنجش مضیقۀ یا تنگنای ازدواج، دو عامل، مهمتر از عوامل تعیین‌کننده فراهمی ازدواج، وجود دارد که در این پژوهش‌ها به‌کلی نادیده گرفته شده‌اند. نخست اینکه در نظام همسرگزینی سنی در ایران، افراد در همه سنین لزوماً به اندازه تفاوت میانگین سن ازدواج مرد و زن فاصله‌گذاری سنی نمی‌کنند و دوم اینکه بازار ازدواج در همه جوامع شامل ایران، بازاری متشکل از دو عنصر عرضه و تقاضا است و در این بازار هم فراهمی عرضه اهمیت دارد و هم تقاضا. تقاضای مردان در همسرگزینی از این نظر اهمیت بیشتری دارد، که پیشنهاد ازدواج عرفاً از جانب مردان طرح

می‌شود. در نظام همسرگزینی، مردان با همه تمایلات و عوامل تعیین‌کننده آن و نقشی که از این نظر در همسرگزینی دارند، تا کنون نقشی مهمتر از زنان بازی کرده‌اند، اگرچه از طریق فراهمی جنس مخالف در طرف عرضه، زنان نیز نقش‌آفرین بوده‌اند. در نتیجه نقد جدی ما به تحقیقاتی که تاکنون انجام شده این است که تخمین تنگنای ازدواج از طریق محاسبه رقمی به نام فراهمی جفت از منظر عدم توازن شمار مردان و زنان متمایل به ازدواج، حتی اگر با داده‌های افراد هرگز ازدواج‌نکرده صورت گرفته باشد، ممکن است به پنهان ماندن بخش مهمی از واقعیت بازار ازدواج ایران منجر شده باشند. از سوی دیگر اگر نقش مردان را در بازار ازدواج تعیین‌کننده می‌دانیم و چنانچه هدف بررسی زمان‌بندی و عمومیت ازدواج زنان باشد، مبنای قرار دادن مطالعه اثر ویژگی‌های یک جنس (مثلاً سن، سواد و تحصیلات، شغل، حتی نگرش و ارزشهای ازدواج زنان) واقع‌بینانه و روا نخواهد بود.

با شرحی که در بالا آمد، مسأله پژوهشی مقاله حاضر، که یکی از نگرانی‌های مهم نخبگان علمی و سیاست‌گذاری بلکه نگرانی همه ایرانیان در مورد نهاد ازدواج و خانواده و چشم‌انداز این نهاد اجتماعی است، اثر تغییرات اجتماعی بر زمان‌بندی و عمومیت ازدواج از طریق همسرگزینی سنی و پیش‌بینی آن برای آینده است. بر همین اساس سؤال پژوهشی مقاله این است که آیا تمایلات سنی مردان در همسرگزینی سنی یعنی طرف تقاضای ازدواج با زنان، می‌تواند بر خصوصیتی که تاکنون در سطح بالایی از عمومیت قرار داشته، اثر منفی داشته باشد؟ به عبارت دیگر این مقاله پرسشی را که معمولاً در سنجش تنگنای ازدواج زنان مطرح می‌شود، به شکلی دیگر تدوین کرده است. اگر اهمیت بیشتر ترجیحات همسرگزینی مردان را بپذیریم، تقاضای ازدواج که برخاسته از همین ترجیحات است، چگونه و به چه میزان می‌تواند به کاهش عمومیت ازدواج زنان ایرانی منجر شود. هدف این مقاله یافتن پاسخ علمی برای این پرسش از طریق مطالعه همسرگزینی سنی است.

داده‌ها و روش

روش تحقیق حاضر تحلیل ثانویه است. در این پژوهش از داده‌های ازدواج بار اول و تعداد طلاق‌های ثبت‌شده مردان و زنان ایران و داده‌های سرشماری استفاده شده است. اطلاعات پایه برای برآورد و مطالعه همسرگزینی سنی، ماتریس سن زوج برحسب سن زوجه است که اخیراً

توسط سازمان ثبت احوال ایران تولید و در اختیار پژوهشگران قرار می‌گیرد. بر اساس این داده‌ها علاوه بر جزییات همسرگزینی سنی مردان و زنان، می‌توان میانگین سن ازدواج اول و میانگین سن ازدواج همسر را برای هر گروه سنی زوج و زوجه محاسبه کرد. به دلیل عدم دسترسی به داده‌هایی با این جزییات برای سالهای دور، تغییرات زمان‌بندی و الگوهای همسرگزینی ازدواج از مقایسه دو مقطع ۱۳۸۳ و ۱۳۹۵ استنباط شده است. میانگین سن در هنگام ازدواج اول^۱، به‌عنوان شاخص زمان‌بندی (یا سرعت) ازدواج، مانند دیگر میانگین‌ها از تقسیم مجموع حاصل‌ضرب هر سن در شمار ازدواج‌های بار اول بر مجموع شمار ازدواج‌ها به دست آمده است. میزان ازدواج ویژه سن^۲ نیز از تقسیم شمار ازدواج‌های بار اول در هر سن بر جمعیت همان سن محاسبه شده است. چون ازدواج‌های ثبتی کشور تنها ازدواج جمعیت با تابعیت ایرانی را شامل می‌شود، بنابراین برای محاسبه میزان ازدواج جمعیت هر سن (منحرج کسر) تنها شامل افرادی است که در زمان آمارگیری تابعیت ایرانی داشته‌اند. مردان و تقاضای ازدواج آنان برای ازدواج با هر گروه سنی از زنان را محاسبه کرد. این میزان‌های تقاطعی و تقاضای ازدواج مردان در هر گروه سنی از زنان از تقسیم تعداد ازدواج‌ها در هر گروه سنی از زنان بر جمعیت مردان به دست می‌آید که این مقدار نشان‌دهنده تقاضای ازدواج مردان برای ازدواج در هر گروه سنی از زنان است. با استفاده از جدول عمر، ستون l_x می‌توان میزان‌های فوق را به احتمالات ازدواج تبدیل کرد. به منظور برآورد تاثیر الگوهای متفاوت تقاضای ازدواج مردان بر مجرد قطعی زنان احتمالات ازدواج مردان در هر گروه سنی از زنان وارد جدول عمر شدند. با فرض ثابت ماندن الگوهای همسرگزینی دو کشور می‌توان با استفاده از این جداول تعداد تقاضای مردان در هر گروه سنی از زنان را برآورد کرد و در نهایت با جمع تمام تقاضاها در گروه‌های سنی زنان تعداد کل تقاضا از سوی مردان به دست می‌آید.

تکنیک تحلیل و برآورد احتمالات مبتنی بر تقاضای ازدواج مردان در این مقاله، جدول عمر زناشویی^۳ دو جنسی است. این جدول دارای دو ریزش است: یکی تعداد مرگ و دوم تعداد ازدواج‌های بار اول. همه عناصر این جدول و روش محاسبه آنها مشابه و همانند جدول عمر

1. Mean Age at First Marriage (MAFM)
 2. Age Specific Marriage Rate
 3. nuptiality life table

است (سرائی ۱۳۹۱). با این حال در جدول عمر زناشویی تعداد بازماندگان بین دو سن درست (یا ستون l_x)، بسته به شدت مرگ‌ومیر و ازدواج بار اول، که به ترتیب با نرخ یا میزان مرگ و ازدواج اندازه‌گیری می‌شوند، به معنی شمار افرادی است که از سن درست x تا سن درست بعدی $(x+n)$ زنده و مجرد بمانند. این شمار از کسر شمار فوت‌شدگان و شمار ازدواج‌ها (بار اول) از تعداد بازماندگان در هر سن درست به دست می‌آید. با توالی این محاسبه تا سن مجرد قطعی، که عجالتاً همان ۵۰ سالگی فرض می‌شود، شمار افرادی برآورد خواهد شد که تا این سن زنده و مجرد مانده‌اند. این محاسبات با دو جدول عمر انجام می‌شود: جدول عمر مردان و جدول عمر زنان در سال ۱۳۹۵.

تقاضای ازدواج مردان با تبدیل تعداد ازدواج‌های بار اول مردان در جمعیت کشور به شمار ازدواج‌های بار اول برای یک نسل ۱۰۰ هزار نفری در جدول عمر زناشویی مردان به دست می‌آید و سپس با این فرض که برای زنان در هر گروه سنی چه تعداد تقاضای ازدواج وجود دارد، نرخ ازدواج بار اول و سپس احتمال ازدواج بار اول زنان بین دو سن درست برآورد می‌شود. به منظور برآورد بهتر، تقاضای ازدواج مردان طلاق گرفته نیز برای دختران ازدواج نکرده در محاسبات دخالت داده شده است. با این هدف، فرض می‌شود که تقاضای ازدواج مردان طلاق گرفته برای ازدواج با زنان هرگز ازدواج نکرده، با الگوی همسرگزینی سنی مردان هرگز ازدواج نکرده همانند باشد. سناریوی دوم این برآورد، محاسبه احتمال ازدواج بار اول زنان با دو جدول عمر مردان و زنان با روش بوگ است. برای این منظور تقاضای ازدواج مردان طلاق گرفته در هر گروه سنی زنان با استفاده از جدول عمر برآورد شد و مجرد قطعی زنان نیز در نهایت با احتساب تقاضای مجدد مردان طلاق گرفته برای ازدواج بار اول با دختران مجرد محاسبه شده است.

احتمال مجرد ماندن از یک سن درست به سن درست بعدی مستقل از احتمال زنده ماندن و با استفاده از میزان ازدواج بار اول محاسبه می‌شود. برای محاسبه میزان ازدواج، شمار ازدواج‌های مردان و زنان در هر سن بر جمعیت همان سن تقسیم می‌شود. یادآوری این نکته ضروری است که چون در نظام ثبت رویدادهای حیاتی کشور تنها ازدواج افراد با تابعیت ایران ثبت می‌شود،

بنابراین مخرج کسر که همان جمعیت است، جمعیت دارای تابعیت ایران برحسب سن است. احتمال ازدواج بار اول به صورت زیر محاسبه می‌شود:

$$g_{(x,x+n)} = \frac{\frac{M_{(x,x+n)}}{P_{(x,x+n)}} \times L_{(x,x+n)}}{l_x}$$

در این رابطه $g_{(x,x+n)}$ احتمال ازدواج بار اول زنان، $M_{(x,x+n)}$ شمار ازدواج‌های بار اول زنان، $P_{(x,x+n)}$ جمعیت زنان دارای تابعیت ایرانی، و $L_{(x,x+n)}$ -نفر- سال‌های عمر شده از یک سن تا سن بعدی در جدول عمر است. برای مثال، احتمال ازدواج بار اول زنان از ۱۵ تا ۲۰ سالگی با استفاده از جداول ۱، ۲ و ۳ برابر است با:

$$g_{(15,15+5)} = \frac{\frac{M_{(15,15+5)}}{P_{(15,15+5)}} \times L_{(15,15+5)}}{l_{10}} = \frac{\frac{124951}{2583000} \times 490093}{98139} = 0.24157$$

و احتمال مجردماندن از سنی به سن دیگر به عنوان مکمل احتمال ازدواج:

$$c_{(x,x+n)} = 1 - g_{(x,x+n)}$$

که در آن $c_{(x,x+n)}$ احتمال مجرد ماندن است و براساس مقادیر بالا برای ۱۵ تا ۲۰ سالگی عبارت است از:

$$c_{(15,15+5)} = 1 - g_{(15,15+5)} = 1 - 0.24157 = 0.75842$$

اکنون می‌توان با تفریق زیر بازماندگان هرگز ازدواج نکرده در هر سن یا l_{x+n}^c را محاسبه کرد:

$$l_{x+n}^c = l_x^c - d_{(x,x+n)} - G_{(x,x+n)}$$

در این فرمول، شمار بازماندگان مجرد تا سن x با l_x^c و شمار بازماندگان مجرد تا سن $x+n$ با l_{x+n}^c نشان داده شده است. برای مثال، همانطور که در جدول ۴ نشان داده شده است،

شمار بازماندگان هرگز ازدواج نکرده (مجرد) در سن درست ۱۵+۵ (یعنی ۲۰ سالگی)، برابر است با:

$$l_{15+5}^e = l_{15}^e - d_{(15,15+5)} - G_{(15,15+5)} = 93454 - 260 - 23708 = 69486$$

با ادامه این محاسبات تا ۵۰ سالگی (یعنی محاسبه l_{50}^e) می‌توان نسبت زنانی که تا این سن مجرد می‌مانند، یا همان نسبت مجرد قطعی را برآورد کرد.

زمان‌بندی ازدواج مردان و تفاوت سنی زوجین

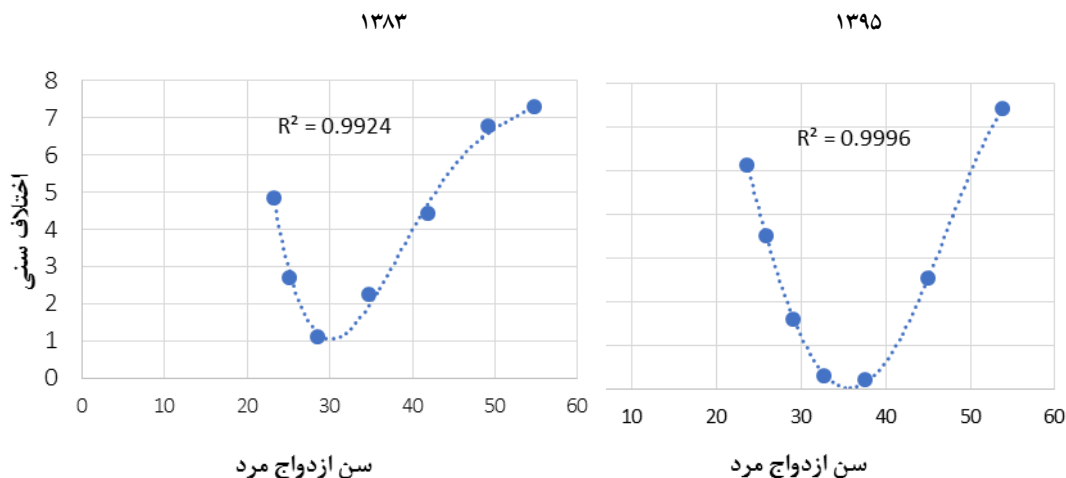
برای بررسی الگوهای همسرگزینی سنی و تاثیر آن بر ازدواج زنان، میزان ازدواج به همراه میانگین سن در اولین ازدواج می‌توانند نقطه شروع خوبی در این بررسی‌ها باشند، اگرچه توصیف کلی از وضعیت ازدواج مردان و زنان کشور ارائه می‌دهد. جدول یک تعداد جمعیت، تعداد و میزان ازدواج بار اول و میانگین سن در اولین ازدواج را به همراه نسبت تراکمی ازدواج‌ها برای کشور نشان می‌دهد. همان‌طور که در این جدول مشاهده می‌شود، بیشترین فراوانی ازدواج مردان ایرانی متعلق به گروه سنی ۲۹-۲۵ سالگی است، اما این مقدار برای زنان متفاوت است، نسبت تراکمی ازدواج‌ها که بیانگر نسبت ازدواج‌کرده‌ها تا سنی مشخص است، نیز حاوی نکات قابل توجهی است. بنابر جدول یک، برای مردان ایران این نسبت در گروه سنی ۱۹-۱۵ سال ۴,۲ درصد و برای زنان ۳۴ درصد است که بیانگر آن است که ۳۴ درصد ازدواج‌های بار اول زنان و ۴,۲ درصد از ازدواج‌های بار مردان تا قبل از ۲۰ سالگی انجام شده است. نسبت تراکمی ازدواج در این گروه سنی یکی از معرف‌های مورد بررسی برای ازدواج زودرس در میان کسانی است که برای بار اول ازدواج کرده‌اند. همان‌طور که در جدول یک مشاهده می‌شود، میزان ازدواج بار اول شدت بالاتر ازدواج بار اول برای مردان را در گروه سنی ۲۴-۲۰ سال و برای زنان گروه سنی ۱۹-۱۵ سال نشان می‌دهد.

جدول ۱. شمار جمعیت و ازدواج بار اول، میزان ازدواج و نسبت تراکمی، و میانگین سن ازدواج، ایران، ۱۳۹۵

گروه سنی	مرد			زن			میانگین سن ازدواج اول
	جمعیت (هزار نفر)	تعداد ازدواج	نسبت تراکمی (درصد)	میزان ازدواج (در هزار)	جمعیت (هزار نفر)	تعداد ازدواج	
۱۵-۱۹	۲۶۸۹	۲۲۰۴۸	۴٫۲	۸٫۲	۲۵۸۳	۱۶۷۰۶۷	۳۴٫۰
۲۰-۲۴	۳۱۳۵	۱۷۳۴۷۰	۳۷٫۳	۵۵٫۳	۳۰۶۱	۱۶۱۷۰۶	۶۶٫۹
۲۵-۲۹	۴۰۲۷	۲۰۶۱۸۳	۷۶٫۷	۵۰٫۹	۳۹۷۳	۱۰۴۲۱۲	۸۸٫۱
۳۰-۳۴	۴۲۶۴	۸۸۰۰۲	۹۳٫۴	۲۰٫۶	۴۱۹۸	۴۰۵۱۱	۹۶٫۴
۳۵-۳۹	۳۵۰۸	۲۱۴۶۷	۹۷٫۵	۶٫۱	۳۴۱۱	۱۲۰۰۵	۹۸٫۸
۴۰-۴۴	۲۷۶۴	۶۰۶۹	۹۸٫۷	۲٫۲	۲۶۶۷	۳۴۹۹	۹۹٫۵
۴۵-۴۹	۲۴۱۴	۲۵۴۲	۹۹٫۲	۱٫۱	۲۳۴۷	۱۲۴۶	۹۹٫۸
۵۰-۵۴	۱۹۴۱	۱۲۷۰	۹۹٫۴	۰٫۷	۱۹۲۵	۵۶۰	۹۹٫۹
۵۵-۵۹	۱۶۴۶	۹۸۶	۹۹٫۶	۰٫۶	۱۶۶۴	۳۳۱	۹۹٫۹
۶۰-۶۴	۱۲۳۳	۷۰۷	۹۹٫۸	۰٫۶	۱۲۷۸	۱۷۰	۱۰۰٫۰
۶۵-۶۹	۷۹۸	۴۳۷	۹۹٫۸	۰٫۵	۸۹۵	۶۸	۱۰۰٫۰
۷۰-۷۴	۵۶۳	۳۲۲	۹۹٫۹	۰٫۶	۶۰۱	۳۱	۱۰۰٫۰
۷۵ سال و بالاتر	۱۰۱۶	۵۳۳	۱۰۰٫۰	۰٫۵	۹۵۱	۲۲	۱۰۰٫۰
جمع	۳۰۰۱۷	۵۲۴۰۱۳	۱۱۰۵٫۶	۱۴۴٫۲	۲۹۵۵۴	۴۹۱۴۹۸	۱۱۸۳٫۲
			26.7				22.7

منبع: سازمان ثبت احوال کشور، جدول فراوانی ازدواج بار اول برحسب سن

تغییرات وضعیت ازدواج را می‌توان از جهات مختلفی بررسی کرد. از شاخص‌های مهم در این زمینه فاصله سنی بین زوجین است. علاوه بر میزان‌ها و میانگین سن ازدواج، بررسی فاصله سنی بین زوجین نیز به فهم دقیق‌تر این تغییرات کمک می‌کند و وجه دیگر تغییرات سنی ازدواج را نمایش می‌دهد. شکل یک فاصله سنی بین زوجین برحسب میانگین سن ازدواج مردان در هر گروه سنی را برای ایران در دو مقطع زمانی یعنی سال‌های ۱۳۸۳ و ۱۳۹۵ نشان می‌دهد. همانطور که مشاهده می‌شود، فاصله سنی بین زوجین برحسب سن شوهر الگوی U شکل دارد. بنابراین، کمترین تفاوت سنی بین زوجین مربوط به سنین ۲۵-۳۵ سال است. همچنین، بیشترین اختلاف به سنین زیر ۲۵ سال و ۴۰ سال و بالاتر اختصاص دارد. براساس شکل یک، تفاوت سنی زوجین با افزایش سن مرد در الگوی سال ۱۳۸۳ تا ۳۰ سالگی و در الگوی سال ۱۳۹۵ تا ۴۰ سالگی، کاهش می‌یابد.



شکل ۱. رابطه بین سن ازدواج شوهر و اختلاف سنی با همسر، ایران، در سال‌های ۱۳۸۳ و ۱۳۹۵

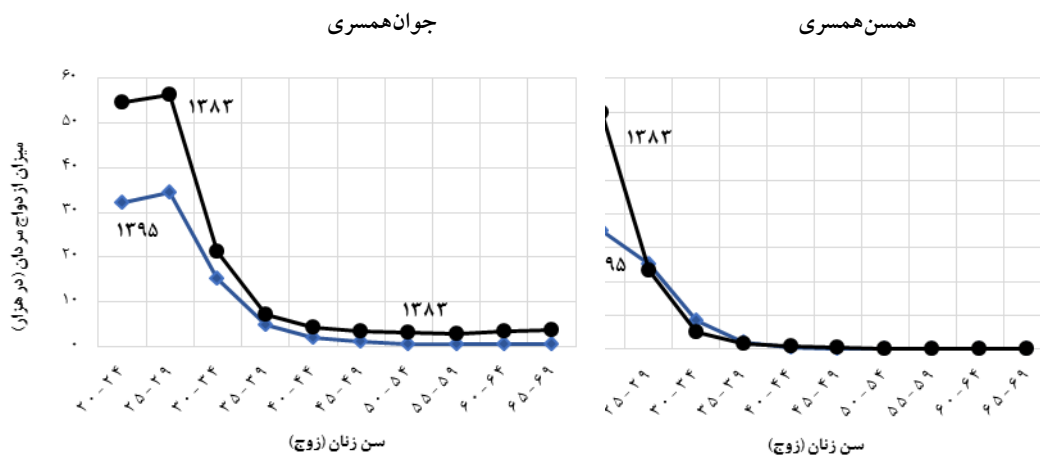
منبع: داده‌ها از ماتریس فراوانی ازدواج بار اول برحسب سن زوج و زوجه در سال ۱۳۸۳ و ۱۳۹۵، سازمان ثبت احوال کشور؛ محاسبات از نویسندگان

در فاصله دو مقطع ۱۳۸۳ و ۱۳۹۵ سه تغییر جزئی ولی مهم در الگو را می‌توان در مقایسه دو شکل مشاهده کرد. اول اینکه مردانی که در سال ۱۳۹۵ به‌طور متوسط در سنین زیر ۳۰ سال ازدواج کرده‌اند، میانگین تفاوت سن ازدواج اول آنها با همسرشان، نسبت به سال ۱۳۸۳ بیشتر شده، در حالی که تفاوت سنی مردانی که در سنین ۴۵ سالگی و بالاتر ازدواج کرده‌اند، کمی پایین‌تر آمده است. دوم، در حالی که در الگوی همسرگزینی سنی سال ۱۳۹۵ در دامنه میانگین سنی ۳۲/۵ تا ۳۷/۵ سال کمترین تفاوت سنی به نزدیکی صفر رسیده، در سال ۱۳۸۳ هرگز کمتر از ۱ سال نبوده است. البته در این مورد گفتنی است که تفاوت سن مردان و همسرانشان در آستانه میانگین ۳۰ سالگی در سال ۱۳۹۵ کمی بیش از ۱/۵ سال است، در حالی که در حدود همین سن این تفاوت در سال ۱۳۸۳ حدود یک سال بوده است. بالاخره سومین و مهمترین تغییر این است که تداوم کاهش تفاوت سن ازدواج مردان و زنان با افزایش سن ازدواج مردان، منجر به اشاعه همسن‌همسری در میان مردانی شده که به‌طور متوسط حدود ۴۰ سالگی ازدواج کرده‌اند. بنابراین، با وجودی که الگوهای نشان داده شده در شکل یک نشان‌دهنده هم‌شکلی

رابطه سن ازدواج مردان و تفاوت سنی آنان با همسرانشان در دو مقطع ۱۳۸۳ و ۱۳۹۵ است، تغییرات جزئی گفته شده در چارچوب اهداف این مقاله را باید تغییرات مهمی قلمداد کرد.

الگوهای همسرگزینی سنی

در بخش قبل زمان بندی ازدواج و تفاوت های آن به همراه اختلاف سنی بین زوجین در کل کشور تحلیل شد. یافته های این بخش، هرچند کلی، نشان از تغییرات مهمی در همسرگزینی سنی مردان و زنان ایرانی دارد. با این حال درک وضعیت و تغییرات الگوهای همسرگزینی سنی کشور مستلزم دقت بیشتر و تحلیل جزئیات نظام همسرگزینی سنی است. با این هدف، در اینجا دو الگوی همسن همسری و جوان همسری مردان و زنان تحلیل خواهد شد و به دلیل کم شمار بودن ازدواج های مسن همسر، از این گروه ازدواج های بار اول صرف نظر می شود. شکل دو، دو الگوی مورد اشاره و تغییرات آن را بین دو مقطع زمانی ۱۳۸۳ و ۱۳۹۵ نشان می دهد.



شکل ۲. الگوهای همسرگزینی سنی ایران، در سال های ۱۳۸۳ و ۱۳۹۵

منبع: داده ها از ماتریس فراوانی ازدواج بار اول برحسب سن زوج و زوجه در سال ۱۳۸۳ و ۱۳۹۵، سازمان ثبت احوال کشور؛ محاسبات از نویسندگان

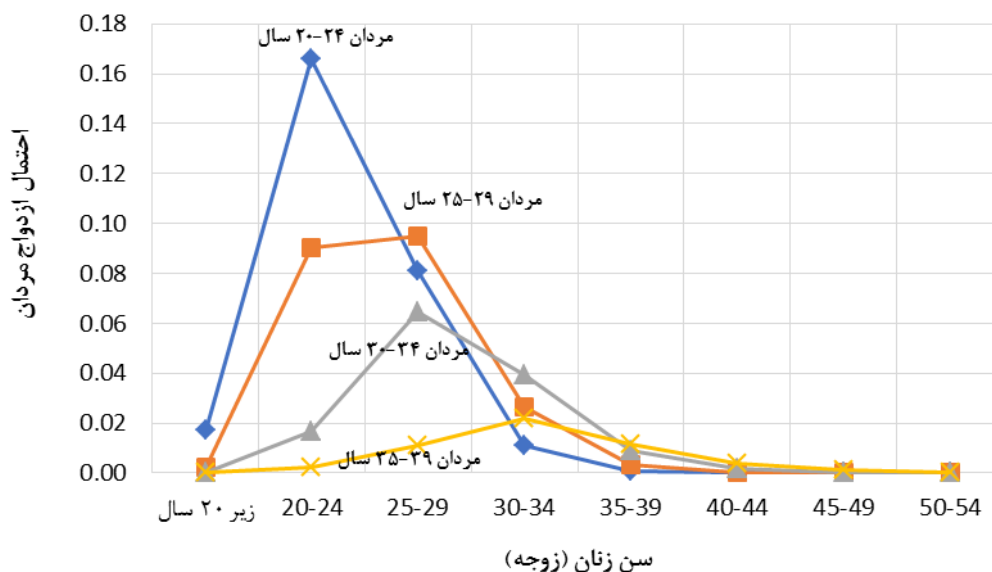
همان طور که در شکل دو مشاهده می شود، همسن همسری و جوان همسری در ایران با اندکی تفاوت در دو مقطع زمانی ۱۳۸۳ و ۱۳۹۵ از الگوی کلی یکسانی پیروی می کنند. الگوی جوان همسری در ایران نشان دهنده آن است که مردان در گروه های سنی ۲۰-۲۴ و ۲۵-۲۹ سال

بیشترین میزان جوان‌همسری را دارند و این مقدار در سال ۱۳۹۵ نسبت به سال ۱۳۸۳ در این دو گروه سنی کاهش قابل‌توجهی یافته، اگرچه این کاهش فقط در مقدار میزان‌ها دیده می‌شود و الگوی سنی تغییر چندانی نکرده است. بیشترین میزان ازدواج همسن‌همسر به ترتیب برای دو گروه سنی ۲۰-۲۴ و ۲۵-۲۹ سال مشاهده شده است. تغییرات میزان ازدواج در این شیوه همسرگزینی با مقایسه دو مقطع زمانی ۱۳۸۳ و ۱۳۹۵ نشان می‌دهد که میزان ازدواج مردان با زنان همسن‌شان در گروه سنی ۲۰-۲۴ سال، کاهش چشمگیری داشته در حالی که در گروه‌های سنی ۲۵-۲۹ و ۳۰-۳۴ سال کمی افزایش یافته است. بدین معنی که نسبت به سال ۱۳۸۳ تقاضای مردان هم‌سن برای ازدواج با زنان واقع در این دو گروه سنی در سال ۱۳۹۵ افزایش یافته است.

بنابر آنچه که در بالا گفته شد، همسرگزینی سنی در ایران ثابت نبوده است. نقش این الگو از آن رو می‌تواند مهم باشد که همسرگزینی سنی مردان به عنوان طرف متقاضی در بازار ازدواج، نقش تعیین‌کننده‌ای در ازدواج زنان دارد. برای بررسی بیشتر این موضوع، میزان‌های ازدواج مردان به صورت تقاطعی برای هر گروه سنی زنان محاسبه و سپس با استفاده از جدول عمر دو جنسی و بر اساس تقاضای مردان، احتمال ازدواج زنان در هر گروه سنی برآورد شده است. شکل سه این احتمالات را در سال ۱۳۹۵ نشان می‌دهد. الگوهای همسرگزینی سنی تعیین می‌کند که مردان به ازدواج با کدام گروه‌های سنی متمایل هستند.

شکل سه نشان می‌دهد که احتمال ازدواج مبتنی بر تقاضای مردان در چهار گروه سنی ۲۴-، ۲۰، ۲۵-۲۹، ۳۰-۳۴ و ۳۵-۳۹ سال برحسب سن زنان بسیار متغیر است. با توجه به الگوهای همسرگزینی سنی که در بالا توصیف شد و همان‌طور که در شکل سه مشاهده می‌شود، برای زنان واقع در گروه سنی ۲۰-۲۴ سال، بیشترین احتمال ازدواج از تقاضای مردان در همین گروه سنی رقم می‌خورد. این احتمال در مقدار هم بزرگترین رقم احتمال در جدول عمر تقاضای مردان ۲۰-۲۴ ساله و حتی نسبت به مردان در گروه‌های سنی دیگر است. ارقام آمده در شکل دو را گونه دیگری هم می‌توان تفسیر کرد: در دامنه سنی ۲۰ تا ۴۰ سال، که در آن سهم اساسی تقاضای ازدواج بار اول از طرف مردان طرح می‌شود، احتمال درخواست ازدواج با زنان ۲۰-۲۴

ساله توسط مردان هم‌سن آنان حدوداً دو برابر مردان ۲۵-۲۹ سال، ۱۰ برابر مردان ۳۰-۳۴ سال و با فاصله خیلی زیاد بیشتر از این احتمال ازدواج از طرف مردان ۳۵-۳۹ ساله است.



شکل ۳. احتمال ازدواج مردان براساس تقاضای آنان برحسب گروه سنی زنان در سال ۱۳۹۵

منبع: داده‌ها از ماتریس فراوانی ازدواج بار اول برحسب سن زوج و زوجه در سال ۱۳۸۳ و ۱۳۹۵، سازمان ثبت احوال کشور؛ محاسبات از نویسندگان

تقاضای ازدواج مردان ۲۵-۲۹ سال بیشترین شانس ازدواج را برای زنان همین گروه سنی رقم زده، اگرچه تمایل این گروه سنی از مردان به ازدواج با زنان جوانتر موجب شده تا شانس ازدواج زنان یک گروه سنی قبل هم نسبتاً بالا باشد. نکته جالب در شکل سه این که بالاترین احتمال ازدواج مردان در سه گروه سنی ۲۰-۲۴، ۳۰-۳۴ و ۳۵-۳۹ ساله با زنان همین گروه‌های سنی است. در واقع، زنان در این گروه‌های سنی بیشترین تقاضا را از سوی مردان هم‌سن خود دارند. در حالی که تقاضای ازدواج مردان ۲۵-۲۹ ساله علاوه بر هم‌سن‌همسری، شانس قابل-توجهی برای ازدواج بار اول زنان یک گروه سنی جوانتر به وجود می‌آورد.

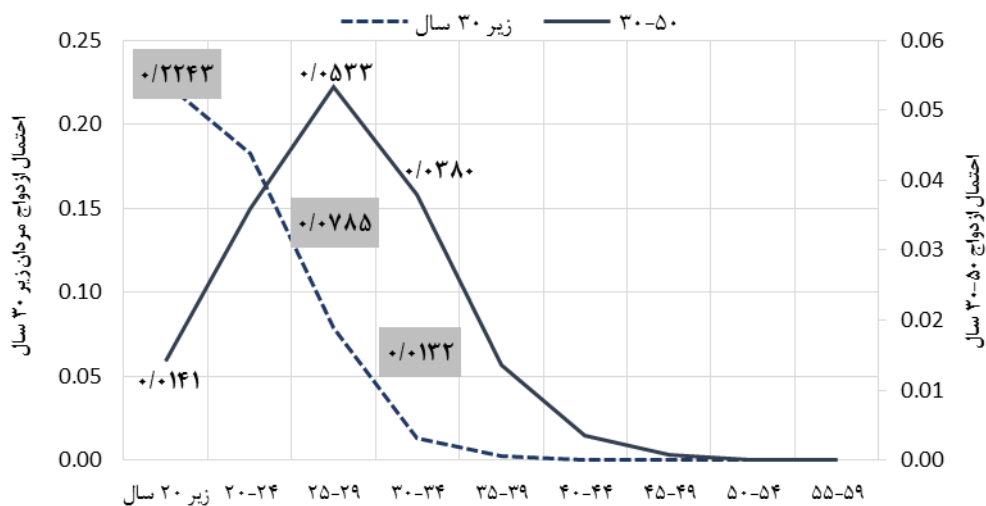
مقایسه دو گروه سنی همسایه و مهم در همسرگزینی و ازدواج جوانان (یعنی ۲۵-۲۹ و ۳۰-۳۴ ساله) زوایای قابل تأملی از مسأله و همچنین کاربرد ماتریس همسرگزینی سنی را روشن

خواهد کرد. همانطور که شکل سه نشان می‌دهد، در الگوی همسرگزینی سنی ایران احتمال انتخاب یک دختر ۲۹-۲۵ ساله توسط پسری از همین گروه سنی، ۰/۰۹۵ بوده است، در حالی که اگر همین دختر تا ۳۰ سالگی ازدواج نکند و به ۳۴-۳۰ سالگی برسد، احتمال انتخاب او توسط پسری هم‌سن و سال به ۰/۰۳۹ کاهش می‌یابد یا به عبارتی حدود ۲/۵ برابر کوچک می‌شود. نکته جالب در این مورد این است که احتمال انتخاب یک دختر ۲۹-۲۵ ساله توسط یک پسر ۳۴-۳۰ ساله (حدود ۰/۰۶۴) بیش از ۱/۵ برابر بزرگتر از احتمال انتخاب دختری در دامنه سنی ۳۴-۳۰ سالگی است. در حالی که احتمال انتخاب این دختر ۲۹-۲۵ ساله حتی کمی بزرگتر از شانس انتخاب دختر ۲۴-۲۰ ساله توسط یک پسر ۲۹-۲۵ ساله (همسن) است (به ترتیب ۰/۰۹۵ در مقابل ۰/۰۹۰).

شکل سه به روشنی نشان می‌دهد که ۳۰ سالگی هم برای پسران در انتخاب سنی همسر و هم برای دختران در تقاضا از طرف پسران مهم و تعیین‌کننده است. اگر میزان ازدواج بار اول دختران را به صورت جزئی به تفکیک جوان‌همسری و هم‌سن‌همسری پسران مستقل از مقدار آن مقایسه کنیم، به‌طوری که در شکل دو نشان داده شده، مشخص خواهد شد که در سال ۱۳۹۵ نسبت به سال ۱۳۸۳، انتخاب همسر جوان توسط مردان زیر ۳۰ سال و انتخاب همسر هم‌سن توسط مردان ۳۰ ساله و بالاتر کمی افزایش یافته است. این تغییر نشان از تغییراتی دارد که می‌تواند آثار جوان‌همسری بر کاهش احتمال ازدواج دختران ازدواج‌نکرده ۳۰ ساله و بالاتر را تعدیل کند. با وجود این نباید از خاطر دور داشت که میزان ازدواج در همسن‌همسری در سنین ۳۰ سال و بالاتر به‌طور قابل‌توجهی پایین است. در واقع تغییرات نسلی همسرگزینی سنی مانند هر تغییر نسلی دیگر در رفتارهای اجتماعی بسیار کند خواهد بود.

مطلب ذکر شده در بالا وقتی روشتر خواهد شد که به جای یک یک گروه‌های سنی، با توجه به اهمیت برش سنی ۳۰ سالگی در الگوی همسرگزینی سنی پسران و دختران، تقاضای ازدواج پسران را در دو گروه سنی بزرگ زیر ۳۰ سال و ۳۰ تا ۵۰ سال در هر گروه سنی دختران مد نظر قرار داده و مقایسه کنیم. شکل چهار با همین هدف تهیه شده و احتمال ازدواج پسران در این دو گروه سنی بزرگ را با دختران در گروه‌های سنی ۵ ساله نشان می‌دهد. همانطور که در این شکل مشاهده می‌شود، به‌طور مورد انتظار احتمال انتخاب یک دختر واقع در سنین ۳۰ تا

۴۵ سال توسط پسران ۳۰ ساله و بالاتر در مقایسه با پسران زیر ۳۰ سال به طور قابل توجهی بیشتر است. با وجود این، همان طور که شکل چهار نشان می‌دهد، گروه سنی ۲۵-۲۹ ساله در دامنه سنی و ناحیه بحرانی احتمال ازدواج قرار دارد: در حالی که شانس انتخاب یک دختر ۲۵-۲۹ ساله توسط پسر زیر ۳۰ سال، نسبت به دختر ۲۰-۲۴ ساله شدیداً کاهش می‌یابد (به زبان احتمال از ۰/۱۸۲ به ۰/۰۷۹)، باز هم حدود ۱/۵ برابر بزرگتر از شانس انتخاب او توسط پسری ۳۰ ساله و بالاتر است. به معنای دیگر، اگرچه مقایسه دو نمودار در شکل چهار (و با در نظر گرفتن شکل پنج) نشان می‌دهد که الگوی همسرگزینی سنی تغییراتی همسو با افزایش نسبی در شانس ازدواج دخترانی دارد که تا ۳۰ سالگی ازدواج اول نداشته‌اند، اما میزان این تغییر به اندازه‌ای نیست که بتواند کاهش در احتمال ازدواج دختران زیر ۳۰ سال را جبران کند.



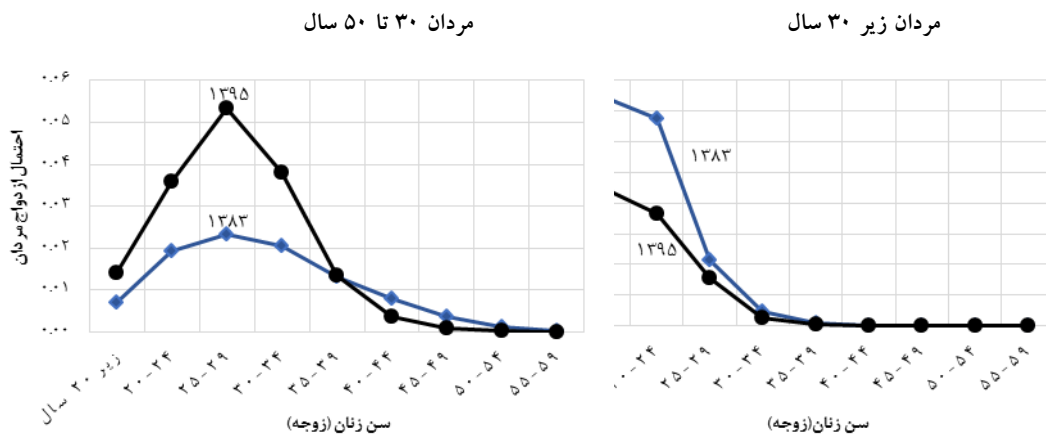
شکل ۴. احتمال ازدواج مردان کشور در دو گروه سنی زیر ۳۰ و ۳۰ تا ۵۰ سال برحسب سن همسر در سال

۱۳۹۵

منبع: داده‌ها از ماتریس فراوانی ازدواج بار اول برحسب سن زوج و زوجه در سال ۱۳۸۳ و ۱۳۹۵، سازمان ثبت

احوال کشور؛ محاسبات از نویسندگان

در شکل پنج تقاضا برای ازدواج مردان برحسب سن دختران با ارقام احتمالات در سال‌های ۱۳۸۳ و ۱۳۹۵ نشان داده شده است. همان‌طور که در این شکل مشاهده می‌شود، بیشترین تقاضای ازدواج مردان جوان ایران در هر دو مقطع زمانی ۱۳۸۳ و ۱۳۹۵ برای زنان واقع در سنین زیر ۲۰ سال بوده است. تغییرات سنی احتمال ازدواج مردان زیر ۳۰ سال با زنان در هر گروه سنی ۵ ساله، نشان می‌دهد که الگوی سنی احتمالات تا حدودی همانند ولی سطح آن در سنین زیر ۲۵ سال متفاوت بوده است. همین همانندی نسبی را می‌توان برای الگوی سنی احتمال انتخاب دختران توسط پسران نیز مشاهده کرد. با این حال و همان‌طور که در شکل پنج ملاحظه می‌شود، افزایش شانس انتخاب دختران توسط پسران ۳۰-۵۰ سال بیشتر تقاضای پسران برای ازدواج با دختران زیر ۳۰ سال را افزایش داده و تنها تغییر همسو در همسرگزینی دختران ۳۰ سال و بالاتر، افزایشی است که در احتمال انتخاب دختران ۳۰-۳۴ ساله رخ داده است، هرچند در مقایسه با گروه‌های سنی جوانتر (۲۹-۲۰ ساله) میزان افزایش این احتمال چندان نیست.



شکل ۵. احتمال ازدواج مردان کشور در دو گروه سنی زیر ۳۰ و ۳۰ تا ۵۰ سال در سال‌های ۱۳۸۳ و ۱۳۹۵
منبع: داده‌ها از ماتریس فراوانی ازدواج بار اول برحسب سن زوج و زوجه در سال ۱۳۸۳ و ۱۳۹۵، سازمان ثبت احوال کشور؛ محاسبات از نویسندگان

تغییر احتمال ازدواج مردان برحسب سن زنان، به‌طوری که در نمودار مردان زیر ۳۰ سال در شکل ۵ مشاهده می‌شود، نشان می‌دهد که از سال ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۵، احتمال انتخاب دختران زیر ۲۰ سال حدود ۴۰ درصد و ۲۴-۲۰ سال بیش از ۴۵ درصد کاهش یافته است. در نمودار بالا

مردان ۳۰-۵۰ سال (پنل سمت چپ) احتمال انتخاب دختران ۲۹-۲۵ سال برای ازدواج بیش از دو برابر، برای دختران ۲۴-۲۰ سال نزدیک به دو برابر و برای دختران زیر ۲۰ سال حدود دو برابر بزرگتر شده است، با ذکر این نکته مهم که مقدار احتمال ازدواج پسران ۳۰-۵۰ سال با دختران واقع در این سنین بسیار کوچکتر از مقدار احتمال ازدواج پسران جوان (زیر ۳۰ سال) با دختران زیر ۳۰ سال است. چنین به نظر می‌رسد که این تغییر بیشتر از اینکه ناشی از تغییر در همسرگزینی سنی باشد، در اثر تغییر در زمان‌بندی و تأخیر پسران در ازدواج رخ داده است و تنها تغییر همسو با افزایش احتمال ازدواج دخترانی که ازدواج نکرده به ۳۰ سالگی می‌رسند، به همان میزانی است که برای دختران ۳۴-۳۰ سال پدید آمده است.

پیش‌بینی فراوانی نهایی ازدواج دختران

در یک جدول عمر زناشویی تک‌جنسی، برآوردهای احتمالات ازدواج زنان از سنی به سن دیگر بر پایه فراوانی ازدواج رخ داده برای دختران در هر سن و تبدیل میزان ازدواج به احتمال ازدواج، مستقل از اینکه تقاضا مردان هر سن برای ازدواج با دختران در هر سن چقدر باشد، انجام می‌شود. بدون شک فراوانی ازدواج دختران در جدول ثبت ازدواج‌ها برابر است با تقاضای ازدواج پسران، اما مبنای قرار دادن ازدواج پسران براساس همسرگزینی سنی این امتیاز را دارد که تقاضای ازدواج مبنای محاسبه احتمال ازدواج از سوی مردان باشد، یعنی جمعیت در معرض احتمال ازدواج در جدول عمر دو‌جنسی در مرتبه اول شمار مردان است نه زنان. محاسبات تقاضای ازدواج مردان با میزان‌های جزئی ازدواج براساس پارامترهای جدول عمر مردان ایران در سال ۱۳۹۵ (جدول ۲) و ماتریس همسرگزینی سنی انجام شده است. به این ترتیب که میزان ازدواج مردان با زنان برحسب سن زوج و زوجه در جمعیت واقعی محاسبه شده و هر یک از این میزانها در معادل جمعیت مردان در جدول عمر (یا $L_{(x,x+n)}$) ضرب و تعداد ازدواجها برای یک نسل ۱۰۰ هزار نفری به دست آمده است.^۱ فرض می‌شود که کل تقاضای ازدواج اول زنان در هر گروه سنی در واحد جدول عمر برابر با مجموع تقاضای مردان در هر سن برای ازدواج با زنان در هر سن باشد. این مجموع در جدول شماره سه آمده است.

۱. با توجه به محاسبات مفصل در اینجا از آوردن جداول و ارقام خودداری شده اما جدول عمر مینا (جدول دو) و نتایج محاسبات (جدول سه) ارائه شده است.

یک جدول عمر زناشویی دو جنسی مرکب از دو جدول عمر است. با استفاده از جدول عمر مردان به شرحی که در بالا آمد، تقاضای مردان برای ازدواج با زنان هر سن محاسبه می‌شود و بقیه محاسبات با استفاده از جدول عمر زنان (جدول دو) صورت می‌گیرد. احتمال مرگ عنصر اصلی این جدول است و برای محاسبات جدول عمر زناشویی کافی است احتمال ازدواج نیز محاسبه شود. با این دو احتمال می‌توان شمار افراد مجرد و زنده‌مانده از یک سن درست به سن درست بعدی را محاسبه و از شمار زنان زنده و هرگز ازدواج نکرده در هر سن منهای تعداد مرگ و ازدواج در فاصله دو سن درست به دست آورد. احتمال زنده ماندن از یک سن درست به سن درست بعدی با استفاده از جداول عمر ایران (جدول دو) به دست می‌آید. با ضرب احتمال مرگ یا $q(x,x+n)$ بین دو سن درست در تعداد بازماندگان هر سن، شمار فوت‌شدگان تا سن بعد یا $d(x,x+n)$ به دست می‌آید. در جدول عمر یک کاهشی که تنها ریزش جدول ناشی از مرگ است، l_{x+n} از l_x منهای $d(x,x+n)$ نیز به دست می‌آید.

جدول ۲. جدول عمر مردان و زنان ایران در سال ۱۳۹۵

مرد				زن				سن
$L(x,n)$	$d(x,n)$	$l(x)$	$q(x,n)$	$L(x,n)$	$d(x,n)$	$l(x)$	$q(x,n)$	
۹۸۷۶۰	۱۳۵۰	۱۰۰۰۰۰	۰,۰۱۳۵۰	۹۸۸۶۰	۱۲۵۰	۱۰۰۰۰۰	۰,۰۱۲۵۰	۰
۳۹۳۷۶۳	۳۵۰	۹۸۶۵۰	۰,۰۰۳۵۵	۳۹۴۳۸۱	۲۴۸	۹۸۷۵۰	۰,۰۰۲۵۲	۱
۴۹۰۲۸۵	۴۸۵	۹۸۳۰۰	۰,۰۰۴۹۳	۴۹۱۹۹۸	۲۰۵	۹۸۵۰۲	۰,۰۰۲۰۸	۵
۴۸۸۲۵۰	۳۲۹	۹۷۸۱۵	۰,۰۰۳۳۶	۴۹۱۰۹۱	۱۵۸	۹۸۲۹۷	۰,۰۰۱۶۱	۱۰
۴۸۶۲۲۹	۵۱۲	۹۷۴۸۶	۰,۰۰۵۲۵	۴۹۰۰۹۳	۲۶۰	۹۸۱۳۹	۰,۰۰۲۶۵	۱۵
۴۸۳۱۷۸	۶۹۶	۹۶۹۷۴	۰,۰۰۷۱۸	۴۸۸۵۰۰	۳۷۲	۹۷۸۷۹	۰,۰۰۳۸۰	۲۰
۴۷۹۶۲۴	۷۱۴	۹۶۲۷۸	۰,۰۰۷۴۱	۴۸۶۵۵۷	۳۹۸	۹۷۵۰۷	۰,۰۰۴۰۹	۲۵
۴۷۵۸۱۹	۷۹۲	۹۵۵۶۴	۰,۰۰۸۲۹	۴۸۴۴۳۲	۴۵۸	۹۷۱۰۹	۰,۰۰۴۷۲	۳۰
۴۷۱۵۵۹	۹۵۷	۹۴۷۷۲	۰,۰۱۰۱۰	۴۸۱۸۸۳	۵۷۳	۹۶۶۵۰	۰,۰۰۵۹۳	۳۵
۴۶۶۰۹۶	۱۲۵۳	۹۳۸۱۵	۰,۰۱۳۳۵	۴۷۸۵۵۳	۷۷۷	۹۶۰۷۷	۰,۰۰۸۰۸	۴۰
۴۵۸۷۴۹	۱۷۲۲	۹۲۵۶۲	۰,۰۱۸۶۰	۴۷۳۹۰۴	۱۱۱۱	۹۵۳۰۱	۰,۰۱۱۶۶	۴۵
۴۴۸۴۱۶	۲۴۶۵	۹۰۸۴۰	۰,۰۲۷۱۳	۴۶۷۰۷۲	۱۶۶۷	۹۴۱۹۰	۰,۰۱۷۷۰	۵۰

ادامه جدول ۲. جدول عمر مردان و زنان ایران در سال ۱۳۹۵

سن	مرد				زن			
	L(x,n)	d(x,n)	l(x)	q(x,n)	L(x,n)	d(x,n)	l(x)	q(x,n)
۵۵	۴۳۳۵۰۷	۳۵۷۷	۸۸۳۷۵	۰,۰۴۰۴۷	۴۵۶۶۹۳	۲۵۵۹	۹۲۵۲۳	۰,۰۲۷۶۶
۶۰	۴۱۱۶۱۶	۵۲۹۸	۸۴۷۹۹	۰,۰۶۲۴۷	۴۴۰۴۵۸	۴۰۶۳	۸۹۹۶۴	۰,۰۴۵۱۶
۶۵	۳۷۹۲۷۰	۷۸۰۹	۷۹۵۰۱	۰,۰۹۸۲۳	۴۱۴۵۲۵	۶۵۲۷	۸۵۹۰۱	۰,۰۷۵۹۸
۷۰	۳۳۱۳۷۴	۱۱۵۶۳	۷۱۶۹۲	۰,۱۶۱۲۹	۳۷۲۲۲۴	۱۰۷۴۴	۷۹۳۷۴	۰,۱۳۵۳۶
۷۵	۲۶۲۷۵۸	۱۶۳۴۳	۶۰۱۲۹	۰,۲۷۱۸۰	۳۰۴۲۷۱	۱۷۱۸۱	۶۸۶۳۰	۰,۲۵۰۳۵
۸۰	۲۱۵۲۲۱	۴۳۷۸۶	۴۳۷۸۶	...	۲۴۷۰۵۱	۵۱۴۴۹	۵۱۴۴۹	...

منبع: کوششی، ۱۳۹۷: ۵۳.

جدول سه فراوانی ازدواج را برای زنان براساس تقاضای مردان در سه گروه همسرگزینی سنی زیر ۳۰ سال، ۳۰-۴۹ سال و ۵۰-۶۹ سال ارائه می‌کند. مجموع تقاضای مردان در این سه گروه سنی که به تفکیک سن زنان به دست آمده است، به‌عنوان فراوانی ازدواج زنان به جدول عمر زناشویی دیگری منتقل و برای تحلیل وضعیت ازدواج یک نسل ۱۰۰ هزار نفری از زنان استفاده شود. همانطور که در جدول سه و شکل شش ملاحظه می‌شود، غلبه الگوی جوان-همسری مردان ایران موجب شده تا حدود ۵۹ هزار (حدود ۸۲ درصد) از مجموع ۷۲ هزار ازدواج مردان فقط برای زنان واقع در دامنه سنی ۱۵-۲۹ سال تقاضا شود. اگر دختران زیر ۱۵ سال را نیز به این رقم اضافه کنیم، سهم این دامنه سنی از تقاضای ازدواج مردان به حدود ۸۹ درصد افزایش خواهد یافت. همانطور که در شکل شش دیده می‌شود این نسبت در گروه سنی جوان، یعنی سهم زنان زیر ۳۰ سال از کل تقاضای ازدواج مردان زیر ۳۰ سال، به حدود ۹۷ درصد، در گروه مردانی که در سنین ۳۰-۴۹ سالگی ازدواج می‌کنند، به حدود ۶۸ درصد و در گروه مردان ۵۰-۶۹ ساله به کمتر از ۵ درصد می‌رسد.

جدول ۳. تقاضای ازدواج بار اول برای یک نسل ۱۰۰ هزار نفری از مردان برحسب سن زنان، ایران، ۱۳۹۵

سن زنان	زیر ۳۰ سال	۳۰-۴۹ سال	۵۰-۶۹ سال	جمع
10-14	4591	86	0	4676
15-19	21936	1060	4	22999
20-24	17862	2823	14	20698

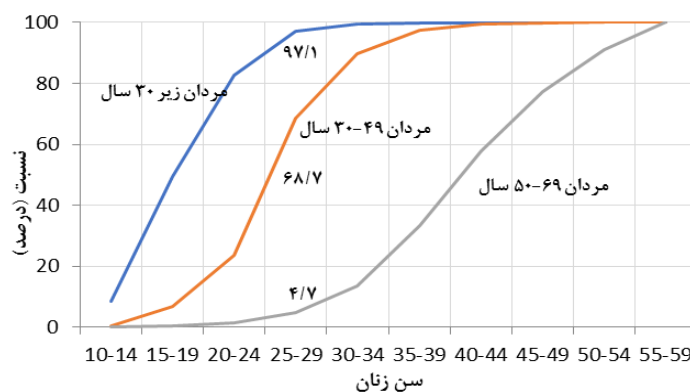
ادامه جدول ۳. تقاضای ازدواج بار اول برای یک نسل ۱۰۰ هزار نفری از مردان برحسب سن زنان، ایران،

۱۳۹۵

سن زنان	زیر ۳۰ سال	۳۰-۴۹ سال	۵۰-۶۹ سال	جمع
25-29	7681	7681	39	15401
30-34	1290	3583	106	4980
35-39	211	1290	237	1739
40-44	33	340	295	667
45-49	5	72	238	314
50-54	0	11	163	174
55-59	0	1	110	111
جمع	53608	16947	1205	71760

منبع: محاسبات براساس جدول ۱ و ۲

شیب سه نمودار نشان داده شده در شکل شش حدود شاخص مرکزی در توزیع سنی زنان مورد تقاضا برای ازدواج اول مردان را مشخص می‌کند. برای نمونه شیب نمودار مردان ۳۰-۴۹ ساله بین دو گروه سنی ۲۴-۲۰ و ۲۹-۲۵ ساله تند می‌شود که گویای تمایل مردان به انتخاب زنان ۲۵-۲۹ ساله است. همانطور که مشاهده می‌شود، شیب سه منحنی در شکل ۶ کاملاً متفاوت و به طور مورد انتظار گویای تفاوت سلايق مردان جوان، میانسال و مسن در همسرگزینی سنی است. تحلیل جزئیات بیشتر و دقیقتر مستلزم اشاره به احتمال ازدواج در جدول عمر زناشوی زنان است که در ادامه خواهد آمد.



شکل ۶. نسبت تجمعی نسبت ازدواج بار اول زنان در سه گروه عمده سنی مردان، ایران، ۱۳۹۵

منبع: محاسبه براساس اطلاعات جدول ۳

همان‌طور که پیشتر مورد اشاره قرار گرفت، جدول عمر زناشویی مورد استفاده در این مقاله، جدول دو جنسی است. تعداد تقاضای ازدواج مردان برحسب سن زنان از جدول عمر زناشویی مردان به شرح بالا و مندرج در جدول ۳، به دست آمد. این تعداد تقاضای ازدواج اول مردان است که فراوانی رویداد ازدواج اول دختران در جدول عمر زناشویی را تشکیل می‌دهد. زنان هرگز ازدواج نکرده ممکن است تقاضایی از طرف مردان حداقل یکبار ازدواج کرده داشته باشند: یعنی تقاضای بار دوم و بیشتر مردان برای ازدواج بار اول زنان. بنابراین در جدول عمر زناشویی مردان لازم است براساس فراوانی مشاهده شده برای طلاق مردان، تقاضای مردان طلاق گرفته برای ازدواج با دختران هرگز ازدواج نکرده نیز محاسبه شود. برای انجام محاسبات مشابه ازدواج، ماتریس سنی طلاق و ازدواج بار دوم به بعد موجود نیست، بنابراین ناگزیر باید با فرضی از همسرگزینی سنی مردان طلاق گرفته برآوردی از تقاضای این گروه از مردان برای ازدواج اول زنان به دست آورد. در این پژوهش این برآورد به دو روش انجام شده است: اول با استفاده از ماتریس ازدواج اول مردان با این پیش‌فرض که همسرگزینی سنی مردان طلاق گرفته مشابه همسرگزینی ازدواج بار اول آنان است (روش مستقیم)، و دوم استفاده از برآورد احتمال ازدواج با روش بوگ (روش غیر مستقیم). در روش بوگ، احتمال ازدواج مردان با تقسیم تفاضل نسبت ازدواج کرده‌ها در هر گروه سنی و گروه سنی ماقبل بر فاصله گروه سنی به دست می‌آید. با فروض بالا و انجام محاسبات در جدول عمر زناشویی مردان، دو تعداد برای تقاضای مردان به‌عنوان فراوانی رویداد ازدواج زنان به‌دست می‌آید، یکی ازدواج اول زنان با تقاضای ازدواج اول مردان و دوم ازدواج اول زنان با تقاضای ازدواج بار دوم به بعد، و مجموع این دو تعداد کل تقاضا و در نتیجه کل فراوانی ازدواج اول زنان به دست خواهد آمد. چون شمار تقاضای ازدواج مردان با روش جدول عمر محاسبه شده، بنابراین تعداد تقاضای مردان برای ازدواج اول زنان در واحد جدول عمر یعنی از یک نسل ۱۰۰ هزار نفری است که از هرگونه تبدیل و تغییری بی‌نیاز است. نتیجه همه این محاسبات با دو فرض مورد اشاره در جدول چهار آمده است. در این جدول ستون (یک) سن درست است که فاصله آن تا سن درست بعدی در برخی مؤلفه‌های جدول عمر گروه سنی را تعریف می‌کند؛ ستون (دو) شمار بازماندگان است که تنها برای سن ۱۰ سالگی درست از جدول عمر زنان (جدول دو) منتقل شده است؛ ستون (سه) تعداد مرگ بین دو سن درست است

که برای همه سنین از جدول عمر زنان (جدول دو) منتقل شده؛ ستون (چهار) تعداد تقاضای ازدواج بار اول مردان است که از محاسبات جدول عمر زناشویی مردان به دست آمده، ستون (پنج) و (شش) تقاضای ازدواج از طرف مردان طلاق گرفته است که با دو روش مستقیم و غیر مستقیم (روش بوگ) برآورد شده؛ و در نهایت ستون (هفت) و (هشت) شمار زنان زنده و مجردمانده‌ای را نشان می‌دهد که با دو روش ذکر شده برآورد شده‌اند.

هدف اصلی برآوردها در این قسمت محاسبه دو ستون (هفت) و (هشت) است. برای محاسبه شمار زنان زنده و مجرد (به معنای هرگز ازدواج نکرده) تا هر سن درست، شمار زنان زنده‌مانده در سن قبل منهای تعداد زنانی که بین دو سن درست می‌میرند و یا ازدواج می‌کنند، به دست می‌آید. برای نمونه در جدول ۴ با این فرض که تقاضایی برای ازدواج با دختران زیر ۱۰ سال وجود ندارد، از ۱۰۰ هزار زنی که یک نسل را تشکیل می‌دهند، ۹۸۲۹۷ تا ۱۰ سالگی زنده مانده‌اند. حال اگر بخواهیم زنان زنده مانده تا ۱۵ سالگی را محاسبه کنیم، تعداد فوت‌های بین دو سن ۱۰ و ۱۵ سالگی باید از این تعداد کسر شود. تعداد مرگ بین ۱۰ تا ۱۵ سالگی ۱۵۸ مورد بوده و با انجام یک تفریق ساده، تعداد زنان زنده در سن درست ۱۵ سالگی ۹۸۱۳۹ خواهد بود. در فاصله این دو سن ۴۶۷۶ زن با مردان هرگز ازدواج نکرده و ۹ زن با مردان قبلاً حداقل یک‌بار ازدواج کرده و طلاق گرفته، ازدواج کرده‌اند. با کسر این دو رقم، تعداد زنانی که تا ۱۵ سالگی زنده و مجرد مانده‌اند برابر با ۹۳۴۵۴ نفر خواهد بود. به زبان احتمالات، احتمال اینکه یک زن ۱۰ ساله تا ۱۵ سالگی زنده و مجرد بماند معادل $0/951$ خواهد بود. این برآورد با فرض احتمال ازدواج برآوردشده با روش بوگ نشان می‌دهد که ۹۳۴۶۱ زن تا ۱۵ سالگی زنده و مجرد خواهند ماند. احتمال زنده و مجرد ماندن یک زن ۱۵ ساله تا ۲۰ سالگی با برآورد مستقیم و غیر مستقیم ازدواج زنان با مردان حداقل یکبار ازدواج کرده به ترتیب حدود $0/707$ و $0/714$ است.

جدول ۴. جدول عمر زناشویی زنان ایران براساس تقاضای ازدواج مردان، سال ۱۳۹۵

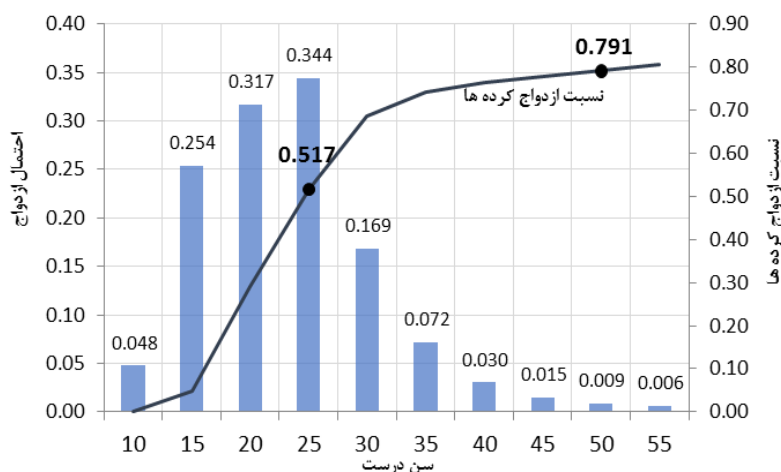
سن	شمار بازماندگان	تعداد مرگ	تقاضای ازدواج بار دوم مردان		تقاضای ازدواج بار اول	شمار بازماندگان مجرد	
			روش مستقیم	برآورد بوگ		روش مستقیم	برآورد بوگ
(۱)	(۲)	(۳)	(۴)	(۵)	(۶)	(۷)	(۸)
۱۰	۹۸۲۹۷	۱۵۸	۴۶۷۶	۹	۲	۹۸۲۹۷	۹۸۲۹۷
۱۵	۹۸۱۳۹	۲۶۰	۲۲۹۹۹	۷۰۹	۳۴	۹۳۴۵۴	۹۳۴۶۱
۲۰	۹۷۸۷۹	۳۷۲	۲۰۶۹۸	۱۳۰۲	۱۰۵۳	۶۹۴۸۶	۷۰۱۶۸
۲۵	۹۷۵۰۷	۳۹۸	۱۵۴۰۱	۸۰۵	۱۷۳۱	۴۷۱۱۴	۴۸۰۴۵
۳۰	۹۷۱۰۹	۴۵۸	۴۹۸۰	۱۶۸	۸۱۴	۳۰۵۱۰	۳۰۵۱۵
۳۵	۹۶۶۵۰	۵۷۳	۱۷۳۹	۴۲	۲۶۱	۲۴۹۰۴	۲۴۲۶۳
۴۰	۹۶۰۷۷	۷۷۷	۶۶۷	۱۴	۸۸	۲۲۵۵۰	۲۱۶۹۰
۴۵	۹۵۳۰۱	۱۱۱۱	۳۱۴	۴	۲۲	۲۱۰۹۲	۲۰۱۵۸
۵۰	۹۴۱۹۰	۱۶۶۷	۱۷۴	۲	۹	۱۹۶۶۳	۱۸۷۱۱
۵۵	۹۲۵۲۳	۲۵۵۹	۱۱۱	۰	۲	۱۷۸۲۰	۱۶۸۶۱
نسبت مجرد قطعی						۰,۲۰۹	۰,۱۹۷
منبع: براساس اطلاعات جدول ۲ و ۳							

جدول عمر زناشویی زنان که در جدول چهار نشان داده شده است، کاربردهای زیادی در تحلیل وضعیت، زمان بندی و عمومیت یا فراگیری ازدواج دارد. برای نمونه با استفاده از این جدول می توان میانگین سال های مجرد زنان را که برآوردی غیر مستقیم از میانگین سن ازدواج است، برآورد کرد. به همین ترتیب می توان از تقسیم زنان مجرد زنده مانده در سن ۵۰ سالگی بر تعداد بازماندگان همین سن نسبت مجرد قطعی زنان را محاسبه کرد. با این فرض که تقاضای مردان برای ازدواج با زنان تنها از طرف مردان هرگز ازدواج نکرده باشد، این رقم برای زنان ایران ۲۴ درصد است. به این معنی که اگر زنان نسلی که در سال ۱۳۹۵ به ۱۰ سالگی رسیده اند، غیر از تقاضای مردان هرگز ازدواج نکرده تقاضایی از طرف مردان حداقل یکبار ازدواج کرده نداشته باشند، حدود یک چهارم از آنان تا ۵۰ سالگی مجرد باقی خواهند ماند.

تجرد قطعی زنان با یک تحلیل دو وضعیتی قابل سنجش است: زنان یا هرگز ازدواج نکرده هستند و یا حداقل یکبار ازدواج کرده. برای تغییر از وضعیت اول به وضعیت دوم کافی است یکبار ازدواج کنند تا از تعقیب وضعیت کنار گذاشته شوند. این بدان معنی است که با وقوع ازدواج بار اول وضعیت دختران از هرگز ازدواج نکرده در x سالگی به حداقل یکبار ازدواج کرده در سن $x + n$ سالگی، تغییر می‌کند و هرچه شدت ریزش تعداد افراد هرگز ازدواج نکرده (میزان ازدواج) بیشتر باشد، عمومیت ازدواج بیشتر خواهد بود. در مقابل در محاسبات تقاضای ازدواج مردان برای زنان در جدول عمر زناشویی مردان، تغییر در چند وضعیت رخ می‌دهد: اول از هرگز ازدواج نکرده به حداقل یکبار ازدواج کرده که با میزان ازدواج بار اول رخ می‌دهد؛ دوم تغییر وضعیت از حداقل یکبار ازدواج کرده به طلاق گرفته که میزان ریزشی به اندازه میزان طلاق را ایجاد می‌کند؛ سوم تغییر وضعیت از حداقل یکبار ازدواج کرده به بیوه که میزان ریزشی به اندازه احتمال مرگ همسران به وجود می‌آورد. برآورد احتمالات در هر سه وضعیت با استفاده از جدول شماره دو و سه به سادگی امکان‌پذیر است. همانطور که در جدول چهار مشاهده می‌شود، احتمال اینکه دختری ۱۰ ساله و هرگز ازدواج نکرده تا ۵۰ سالگی به ازدواج پسری هرگز ازدواج نکرده درآید، یعنی هیچ تقاضایی از طرف مردان حداقل یکبار ازدواج کرده نداشته باشد، حدود ۰/۷۲۷ است. بر اساس احتمالات مرگ (بر مبنای جدول عمر) و فروانی مبتنی بر تقاضای ازدواج، احتمال ازدواج دختران هرگز ازدواج نکرده ۱۰ ساله تا ۵۰ سالگی، که مورد تقاضا از طرف مردانی هستند که طلاق گرفته و یا بیوه شده‌اند، به ترتیب ۰/۰۳۱ و ۰/۰۰۰۰۴۴ است. یعنی تقاضای ازدواج مردانی که به دلیل مرگ همسر بیوه می‌شوند، تقریباً هیچ شانس برای ازدواج دختران مجرد ایجاد نمی‌کند، در حالی که تقاضای ازدواج مردانی که ازدواج کرده سپس از همسر خود جدا شده‌اند، شانس ازدواج دختران تا ۵۰ سالگی را تا ۰/۰۳ افزایش می‌دهد.

احتمالات مورد بحث در بالا، را می‌توان برای هر گروه سنی از زنان نیز محاسبه و تحلیل کرد. مقادیر این احتمالات محاسبه و در شکل هفت نشان داده شده است. همان‌طور که در نمودار نشان داده شده در این شکل ملاحظه می‌شود، بر اساس همسرگزینی سنی و تقاضای ازدواج مردان، در کل بالاترین احتمال و بیشترین شانس ازدواج در سه گروه سنی ۵ ساله ۲۸-

۱۵ سالگی دیده می‌شود. بالاترین احتمال ازدواج (یعنی بیشترین تمایل ازدواج از طرف مردان) هم برای زنان ۲۹-۲۵ سال حدود ۰/۳۴۴ دیده می‌شود. در اینجا در مورد شانس ازدواج زنان باید به دو نکته مهم اشاره کرد: اول اینکه دختران ۱۰ ساله و اگر احتمال ناچیز ازدواج (کمتر از ۰/۰۵) برای دختران ۱۴-۱۰ ساله را نادیده بگیریم، دختران ۱۵ ساله در گذر از ۱۵ سالگی تا ۳۰ سالگی با سه شانس بزرگ ازدواج مواجه هستند و بنابراین نسبت به هر سن دیگری احتمال ازدواج آنان بالاتر است و دوم این که با گذر از ۳۰ سالگی شانس ازدواج آنان حتی در سنینی (۳۰-۳۴ سال) که احتمال ازدواج دختران در بالاترین میزان است، به کمتر از نصف (از ۰/۳۴۴ به ۰/۱۶۹) کاهش می‌یابد. این مقایسه و تغییر زاویه مهمی از واقعیت را بازنمایی می‌کند: با بیشترین تقاضای مردان برای ازدواج، فرصت‌های ازدواج دختران تا ۳۰ سالگی بالا است، اما با رسیدن دختران به ۳۰ سالگی و به‌ویژه به ۳۵ سالگی این شانس کمتر و کمتر خواهد شد.



شکل ۷. احتمال ازدواج بین دو سن درست و نسبت زنان ازدواج کرده، ایران، ۱۳۹۵

منبع: برآورد مستقیم تعداد ازدواج اول زنان و بازماندگان مجرد در سن درست، ستون (۷) از

جدول ۳

در شکل هفت، نمودار نسبت ازدواج کرده‌ها به صورت کسر تجمعی نیز نشان داده شده است. با تعمیم الگوهای مقطعی تقاضای مبتنی بر همسرگزینی سنی مردان و تفسیر نسلی آن، این ارقام نشان می‌دهد که چند درصد از زنان تا سن $x + n$ ازدواج کرده‌اند. بنابراین، چنانچه احتمال ازدواج زنان در هر گروه سنی ثابت باشد، حدود ۵۲ درصد از زنان از نسل متولد ۱۳۸۵

که در سال ۱۳۹۵ به ۱۰ سالگی رسیده‌اند، تا ۳۰ سالگی یک بار ازدواج کرده‌اند. در حالی که بر اساس نتایج سرشماری ۱۳۹۵ و تعداد زنان حداقل یک بار ازدواج کرده در این سال، این رقم که وضعیت زنان نسل‌هایی را نشان می‌دهد که متولد ۷۰-۱۳۶۵ هستند، حدود ۷۶ درصد بوده است (مرکز آمار ایران ۱۳۹۵). برای نسل متولد ۱۳۸۵ که در سال ۱۴۳۵ به ۵۰ سالگی می‌رسند، عمومیت ازدواج ۷۹/۱ درصد است که از رقم نظیر برای نسل متولد ۱۳۴۵ (حدود ۹۶ درصد) بیش از ۱۶ درصد کمتر است. بر اساس نتایج تفصیلی دو سرشماری ۱۳۸۵ و ۱۳۹۵ نشان می‌دهد که نسبت ازدواج کرده‌های ۵۰ ساله، از حدود ۹۸ درصد در سرشماری ۱۳۸۵ به حدود ۹۶ درصد در سرشماری ۱۳۹۵ کاهش یافته است. به عبارت دیگر کاهشی که از میانه دهه ۱۳۸۰ تا میانه دهه ۱۳۹۰ آغاز شده و تغییر تجربه نسلی ازدواج زنان قطعاً اثر تعیین‌کننده‌ای بر آن داشته، با فرض ثبات شرایط می‌تواند به کاهش مستمر عمومیت و فراگیری ازدواج زنان منجر شود.

بحث و نتیجه‌گیری

بازار ازدواج عرصه‌ای گسترده، انعطاف‌پذیر و از نظر تعدد و آثار عوامل تعیین‌کننده بر مکانیزم همسرگزینی و پیامدهای آن، پیچیده است. همان‌طور که در مقدمه این مقاله اشاره شد، استنباط بسیاری از پژوهشگران این است که تغییرات بازار ازدواج به طور مستقیم و غیر مستقیم از تغییرات جمعیتی تاثیر پذیرفته است. مضیقۀ ازدواج و عدم توازن شمار دو جنس مدعای اصلی این دست از پژوهشگران است که در تصویری ساده از تعداد جمعیت و یا تعداد افراد هرگز ازدواج نکرده، شاهد آورده شده است. در مقابل، در برخی پژوهش‌ها نیز نسبت دادن همه تغییرات به مضیقۀ ازدواج آن هم در تصویر ساده‌ای که از مقایسه تعداد مردان و زنان ارائه شده است، ناروا تشخیص داده شده و به این ترتیب ایده تنگنا یا مضیقۀ ازدواج به چالش کشیده شده است. برای فهم ناپختگی استدلال و نتیجه‌گیری مطالعاتی که به این شیوه اثر مضیقۀ ازدواج را بزرگنمایی کرده‌اند، کافی است به این شاهد آماری اشاره شود که درست در دوره‌ای (دهه ۱۳۶۰ و ۱۳۷۰) که صحبت از عدم توازن چند میلیونی در تعداد مردان و زنان در سن ازدواج شده، زمان‌بندی ازدواج پرشتاب‌تر و عمومیت ازدواج بالاتر بوده است. چنانچه قرار بود که مضیقۀ ازدواج چنین آثار بزرگی بر وضعیت ازدواج دختران داشته باشد، با توجه به شرایط وجود عدم توازن‌های بزرگتر برای زنانی که در دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ ازدواج کرده‌اند، قاعدتاً عمومیت

ازدواج در دهه ۱۳۶۰ و ۱۳۷۰ باید با کاهش جدی مواجه می‌شد. حال آنکه این کاهش از دهه ۱۳۸۰ آغاز شده است.

باور ما این است تا پیش از کاهش باروری زنان، جمعیت ایران در وضعیت کم‌ویش مساعد برای عدم توازن دو جنس و بنابراین مضیقه ازدواج زنان قرار داشته است. بنابراین، چه شرایط و تغییراتی را می‌توان جستجو کرد که موجب چنین تغییرات بزرگی در زمان‌بندی و عمومیت ازدواج زنان شده است: تا دهه ۱۳۴۰ حدود ۸۵ درصد از زنان تا پیش از ۲۵ سالگی و تا پیش از دهه ۱۳۸۰ حدود ۹۹ درصد (یعنی عمومیتی تقریباً کامل) از آنان تا ۵۰ سالگی ازدواج می‌کردند. اکنون (۱۳۹۵) با کاهش کمی که در میانگین سن ازدواج زنان رخ داده، نسبت آنانکه تا ۲۵ سالگی ازدواج کرده‌اند به حدود ۵۵ درصد رسیده است و نسبت زنان ازدواج کرده تا ۵۰ سالگی به حدود ۹۶ درصد کاهش یافته است.

در حالی که مضیقه ازدواج به سازوکار اثر عوامل جمعیتی بر ازدواج هر کدام از دو جنس تمرکز دارد، عوامل غیر جمعیتی با نقش بزرگ و برجسته‌تری میدان‌داری می‌کنند. آنچه برای مثال به اثر تحصیلات دختر و پسر به عنوان مضیقه ازدواج نسبت داده شده، اگرچه ممکن است مترادفی برای این مفهوم باشد، اما در واقع از طریق همسرگزینی و تغییرات آن وضعیت ازدواج هر یک از دو جنس را تغییر داده است. ادعای این مقاله برای پاسخ به این پرسش که چه تغییری رخ داده است که در شرایط نسبتاً مشابه عدم توازن دو جنس در سن ازدواج، زنان ایرانی چنین تغییرات بزرگی در وضعیت ازدواجشان تجربه کرده‌اند، این است که در گذشته مردان در شرایط جوان‌همسری عموماً تا پیش از ۳۰ سالگی ازدواج می‌کردند و این شتاب در زمان‌بندی ازدواج موجب می‌شد که شانس ازدواج دختران تا ۳۰ سالگی در بالاترین میزان قرار داشته و نسبت زنان ازدواج کرده حتی پیش از ۵۰ سالگی به آستانه عمومیت ازدواج (۱۰۰ درصد) نزدیک شود. تحقیقات انجام‌شده در مورد موضوع این مقاله را می‌توان به دو گروه تقسیم کرد: یکی پژوهش‌هایی که با مواجهه کمی با مسأله تنها استدلالشان برای برجسته کردن نقش مضیقه ازدواج در تغییر وضعیت ازدواج زنان، عدم توازنی بود که در تعداد جمعیت و یا در بهترین حالت در تعداد مردان و زنان ازدواج نکرده جستجو می‌کردند. این دسته از پژوهش‌ها رویکردی یکسوگرانه به موضوع داشته، چه بر مبنای نظریه چه بدون چارچوب نظری، توجهی به تأثیر

عوامل غیر جمعیتی بر وضعیت ازدواج زنان ایرانی نداشته‌اند (از جمله فرهادی و امیرخسروی ۱۳۷۲؛ جعفری مژده‌ی، ۱۳۸۲؛ احمدی و همتی، ۱۳۸۷؛ ربانی و همکاران، ۱۳۸۹؛ ترابی و همکاران، ۱۳۹۳). دوم تحقیقاتی که به اهمیت الگوهای همسرگزینی اشاره کرده‌اند اما به دلیل عدم دسترسی به اطلاعات همسرگزینی سنی مردان و همسرانشان، قادر نبوده‌اند موضوع را در جزئیات مطالعه کنند (درودی ۱۳۸۳؛ کوششی و کمالی، ۱۳۸۳؛ کمالی، ۱۳۸۶). پژوهش‌های دیگر که مستقیماً به موضوع تنگنای ازدواج نپرداخته و در دو دسته بالا قرار نمی‌گیرند، اما می‌توانند پشتیبان تجربی این پژوهش محسوب شوند، ویژگی‌ها و اثر طرف تقاضای ازدواج زنان را مورد بررسی قرار داده‌اند (شامل نقدی و بلالی، ۱۳۸۹؛ فراهانی خلیج‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۲؛ کشاورز حداد و قدسی قاراب، ۱۳۹۳).

با طرح ایده مورد اشاره و دسترسی به ماتریس همسرگزینی سنی مردان و زنان ایرانی، این مقاله تلاش کرد با تحلیل نظام همسرگزینی سنی، و از این طریق بررسی اثر تقاضای ازدواج مردان بر شانس ازدواج دختران، عمومیت ازدواج نسل‌های کنونی دختران ایرانی را پیش‌بینی کند. خلاصه‌مهمترین یافته این مقاله این است که در الگوی سنی ازدواج در ایران و بسیاری از کشورهای دنیا، ۳۰ سالگی برش سنی مهمی است که با رسیدن به آن کاهش مهم در احتمال ازدواج رخ می‌دهد. چون نظام تقاضای پسران برای ازدواج با دختران عموماً جوان‌همسری است، بنابراین تأخیر پسران در ازدواج و به تعویق افتادن ازدواج دختران به ۳۰ سالگی شمار دخترانی را که تا ۳۰ سالگی مجرد می‌مانند افزایش داده و با کاهش شانس ازدواج در سنین ۳۰ سالگی و بالاتر رخ می‌دهد، ازدواج زنان از عمومیت خواهد افتاد. حتی اگر تغییر آرام در همسرگزینی سنی (عمدتاً از جوان‌همسری به همسن‌همسری) به افزایش نسبی احتمال ازدواج دختران ۳۰ ساله و بالاتر منجر شود، اولاً کاهش شانس ازدواج دخترانی که در سال‌های دهه گذشته به دنیا آمده و در سال‌های اخیر به سنین ازدواج وارد شده‌اند، به نحو قابل توجهی کاهش خواهد یافت.

ما در بخش ارائه یافته‌ها، شواهد آماری متعددی برای بیان وضعیت و تغییرات همسرگزینی سنی و نکته اشاره شده در بالا ارائه دادیم و در اینجا به یادآوری و نتیجه‌گیری از آن با اشاره به بخشی مهم و کوچک از آن یافته‌ها بسنده می‌کنیم. در الگوی سنی ازدواج زنان

ایرانی، به محض انتقال سنی از گروه سنی ۲۹-۲۵ ساله به ۳۰ سال و بالاتر، شانس ازدواج بر مبنای تقاضای پسران برای ازدواج با دختران، شدیداً کاهش می‌یابد. براساس برآوردهای این مقاله، احتمال اینکه دختری واقع در سنین ۳۴-۳۰ سالگی ازدواج کند تقریباً نصف احتمال ازدواج دختری است که در سنین ۲۹-۲۵ ساله است و اگر این دختر در گروه سنی ۳۹-۳۵ سالگی قرار گیرد، به یک پنجم کاهش خواهد یافت. اگر سن زن به همین ترتیب به گروه‌های سنی بالاتر انتقال یابد، به سرعت به میزان بیشتری شانس ازدواج آنان کاهش خواهد یافت، تا جایی که در دهه ۵۰ سالگی عمر به صفر نزدیک می‌شود. نکته مهم این است که تغییرات اندکی که در همسرگزینی سنی (همسو با همسن‌همسری) و همچنین افزایش شمار مردان هرگز ازدواج نکرده در سنین ۳۰ سالگی و بالاتر رخ داده است، اگرچه کمی شانس ازدواج دختران را افزایش داده اما این افزایش به هیچ وجه جبران‌کننده کاهش شانس ازدواج آنان نبوده است. در نتیجه کاهشی که در عمومیت ازدواج مقطع به مقطع از سرشماری ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵ آغاز شده، تا ۴۰ سال آینده ادامه خواهد یافت و نسبت زنانی که تا ۵۰ سالگی هرگز ازدواج نخواهند کرد را تا ۲۹ درصد افزایش خواهد داد.

ایده و یافته‌های این مقاله مبتنی بر نتایج تحقیقی است که توسط فراهانی و همکاران (۱۳۹۲) انجام شده است. پیش فرض اصلی ما بر این یافته استوار شده که معاشرت پیشرفته پسران و دختران پیش از ازدواج به کاهش تمایل پسران به ازدواج منجر می‌شود. به معنای دیگر، معاشرت‌های پیشرفته دو جنس مخالف یا موجب صرف نظر کردن پسران از ازدواج می‌شود و یا حداقل ازدواج آنان را به تعویق می‌اندازد که به نوبه خود تقاضای ازدواج پسران را در سنین زیر ۳۰ سال کاهش داده و با توجه به جوان‌همسری مردان، به کاهش شانس ازدواج دختران ۳۰ ساله و بالاتری که اکنون پرشمارتر از قبل شده است، منجر خواهد شد. این یافته چشم‌انداز اثر همسرگزینی سنی بر ازدواج و عمومیت زنان را در تقابل با پژوهش‌هایی که در بالا ذکر شدند، مطرح می‌کند.

از نظر سیاست‌گذاری اجتماعی، برنامه‌های تشویقی ازدواج، که جملگی به‌طور یک‌سویه وضعیت ازدواج زنان را جدای از تقاضا مردان برای ازدواج (که کاملاً منطبق بر همسرگزینی سنی است) در نظر می‌گیرند، نتیجه مؤثری نخواهند داشت. پیشنهاد این مقاله برای اثربخش

کردن این برنامه‌ها این است که طرف دیگر در بازار ازدواج نیز دیده شود. اینکه چه عواملی بر تمایل و عدم تمایل مردان به ازدواج با زنان تأثیر می‌گذارد، آنها به چه میزان و تحت تأثیر چه عواملی ازدواج خود را به تعویق می‌اندازند و با چه شیوه‌های همسرگزینی سنی دست به انتخاب می‌زنند، بخش مهمی از واقعیت نظام همسرگزینی سنی و این‌که تقاضای ازدواج از طرف مردان صورت می‌گیرد، همان‌که در بستر فرهنگی- اجتماعی جامعه ایران خواستگاری نامیده شده است.

منابع

- احمدی، وکیل و همتی، رضا (۱۳۸۷). بررسی وضعیت مضیقه ازدواج در ایران، مجله مطالعات راهبردی زنان، شماره ۴۱، صص: ۶۴-۴۳.
- ترابی، فاطمه؛ کوچانی اصفهانی، مسعود؛ شکفته گوهری، محمد (۱۳۹۳). بررسی مضیقه ازدواج در ایران، مجله نامه انجمن جمعیت شناسی ایران، شماره ۱۸، صص ۹۳-۷۳.
- جعفری مزدهی، افشین (۱۳۸۲). عدم تعادل در وضعیت ازدواج در ایران. مجله زن در توسعه و سیاست. شماره ۵.
- خلیج آبادی فراهانی، فریده؛ کاظمی پور، شهلا؛ رحیمی، علی (۱۳۹۲). بررسی تأثیر معاشرت با جنس مخالف قبل از ازدواج و تمایل به ازدواج در بین دانشجویان دانشگاه‌های تهران. مجله خانواده پژوهی، سال ۹، شماره ۳.
- درودی آهی، ناهید (۱۳۸۱). عدم توازن نسبت های جنسی در ایران، مجله فصلنامه جمعیت، شماره ۴۱، صص: ۲۲-۱.
- ربانی، رسول؛ قاسمی، وحید؛ احمدی، وکیل (۱۳۸۹). بررسی مضیقه ازدواج در استان‌های شمالی کشور (بر اساس سرشماری ۱۳۸۵). مجله مطالعات اجتماعی ایران. سال ۴، شماره ۳.
- سرائی، حسن (۱۳۹۱). روش‌های مقدماتی تحلیل جمعیت. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- فرهادی، یدالله و امیرخسروی، ارژنگ (۱۳۷۲). عدم تعادل در عرضه و تقاضای ازدواج، مجله فصلنامه جمعیت، دوره ۲، شماره ۵، ۹۳-۱۲۶.
- قربانی، زهرا و کوششی، مجید (۱۳۹۱). مطالعه جمعیت شناختی تأثیر جوان‌همسری بر ازدواج دختران، مجله مطالعات اجتماعی روانشناختی زنان. شماره ۲، صص: ۱۳۴-۱۰۹.

- کشاورز حداد، غلامرضا و قدسی قاراب، (۱۳۹۳). نابرابری دستمزد مردان و تمایل به ازدواج زنان در ایران. مجله پژوهش‌های اقتصادی ایران، سال ۱۹، شماره ۵۹. صص: ۷۳-۱۱۶
- کمالی، افسانه (۱۳۸۶). بررسی تنگنای ازدواج در ایران. مجله مطالعات راهبردی ورزش و جوانان. شماره ۱۰ و ۱۱.
- کمالی، افسانه و کوششی، مجید (۱۳۸۳). تحلیل وضعیت ازدواج زنان در ایران، مجله شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- محمودیان، حسین (۱۳۸۳). سن ازدواج در حال افزایش: بررسی عوامل پشتیبان. مجله مطالعات جامعه‌شناختی، شماره ۲۴.
- نقدی، اسدالله و بلالی، اسماعیل (۱۳۸۹). مساله اجتماعی خاموش و نامرئی: کاهش شانس ازدواج برای دختران روستایی (با تاکید بر یافته‌های از نقاط روستایی همدان). مجله توسعه محلی (روستایی-شهری). سال ۲، شماره ۲.
- هاشمی، سید ضیا؛ فولادیان، مجید؛ فاطمی امین، زینب (۱۳۹۳). بررسی تجربی دو نظریه رقیب همسرگزینی در ایران، مجله تحقیقات فرهنگی ایران، شماره ۴، صص: ۱۵۷-۱۸۷.
- مرکز آمار ایران. www.amar.org
- سازمان ثبت احوال کشور. www.sabteahval.ir
- Bozon, M. (1991). Women and the age gap between spouses: an accepted domination?. *Population an English Selection*, 113-148.
- Lampard, R. (2013). Age at marriage and the risk of divorce in England and Wales. *Demographic Research*, 29, 167-202.
- Saroukhani, B. (1981). Age Gap in Marriage: A Study in Contemporary Iran. *International Journal of Sociology of the Family*, 87-98.